

۴۶ اثر هنری نفیس در جریان بازسازی تالار شهر
ماشورست در هلند گم شد

یک اشتباه فاحش

اثر ملکه بناتریکس اندی وار هول به ارزش ۲۵ هزار دلار
به همراه زباله‌ها دور انداخته شد

صفحه ۱۲

کانادا در انتخاباتی تاریخی برای تعیین
مسیر آینده روابط با آمریکا

سازش یا مقاومت

- مارک کارنی با تکیه بر تجربه بین‌المللی خود
الگوی مقاومت هوشمندانه را معرفی کرد
- پیر پولیور، با شعارهای «کانادا اول»، راه مذاکره
مستقیم با ترامپ را تبلیغ می‌کند

صفحه ۱۰

سیاستمداران پس از ترک قدرت چه مسیری را
در پیش می‌گیرند؟

قصه بازنشستگی

رهبران سیاسی

اوباما، سارکوزی، جانسون، کامرون و مرکل پس از ترک
قدرت با فعالیت‌های رسانه‌ای و تجاری به موفقیت
رسیدند، در حالی‌که روحانی در سکوت باقی ماند

صفحه ۲

سارقی با ۱۴ سابقه کیفری در مرخصی زندان
دوباره سرقت کرد و دستگیر شد

گوشواره‌های خونین درقاب دوربین

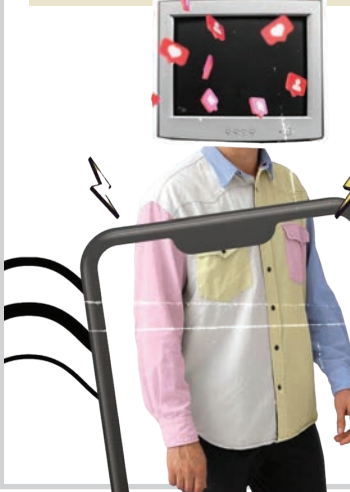
تصاویر دوربین‌های مدار بسته، چهره متهمان را ثبت کرد
و پلیس موفق به شناسایی آنها شد

صفحه ۷

جولانگاه مدعیان بی‌صلاحیت در بازارآشفته سلامت روان آنلاین

در ادامه روند روبه‌رشد نگرانی‌ها پیرامون
فعالیت‌های غیرمجاز در حوزه روانشناسی
آنلاین، گزارش‌های اخیر سازمان
نظام روانشناسی و مشاوره کشور، ابعاد
تکان‌دهنده‌ای از این بحران را آشکار می‌سازد.
بر اساس این گزارش‌ها، حدود ۱۲ هزار صفحه
در فضای مجازی به صورت غیرقانونی به ارائه
خدمات روانشناسی و مشاوره مبادرت می‌ورزند.
این صفحات که گردانندگان آنها فاقد تحصیلات
تخصصی و مجوز رسمی فعالیت هستند، به
عنوان بزرگ‌ترین چالش پیش روی سلامت
روانی جامعه‌ده علم کرده‌اند. نگران‌کننده‌تر
آنکه، از این تعداد، ۴ هزار صفحه به طور کامل
جعلی بوده و افراد سودجو با معرفی خود به
عنوان روانشناس و مشاور، در پی جلب توجه
و کسب درآمد از طریق شیوه‌های غیر اخلاقی
هستند. این مدعیان دروغین، بدون داشتن
هیچ‌گونه پشتوانه علمی و تخصصی، با ارائه
مشاوره‌های نادرست و بعضاً آسیب‌رزا، سلامت
روان مخاطبان خود را به خطر می‌اندازند. در
اقدامی بی‌سابقه و در راستای مقابله با این
پدیده شوم، سازمان نظام روانشناسی در آذرماه
سال گذشته (۱۴۰۳) با همکاری پلیس فتا،
فهرستی از ۲۵۰ روانشناس‌نمای مشهور که
بدون مجوز قانونی فعالیت می‌کردند را منتشر
کرد. این اقدام بار دیگر بر ضرورت نظارت
دقیق بر فعالیت‌های این حوزه تأکید می‌کند.

سازمان نظام روانشناسی کشور با انتشار این
فهرست و اطلاعیه‌های بی‌دری، به عموم مردم
هشدار داده است که دریافت خدمات مشاوره
روانشناسی باید صرفاً از طریق متخصصان دارای
پروانه اشتغال رسمی صورت پذیرد. این سازمان
یادآور شده است که بر اساس قوانین موجود،
ارائه خدمات مشاوره بدون داشتن مجوز قانونی،
جرم محسوب می‌شود و پیگرد قانونی در پی
خواهد داشت.



هوش مصنوعی، با سرعت و سهولتی که ارائه
می‌دهد، به ابزاری قدرتمند برای فریبکاری
تبدیل شده است؛ کافی است یک کیشن
فریبنده بنویسند: «این ۵ جمله جادویی را
تکرار کنید تا به آرامش برسید!» و لینک یک
کارگاه آنلاین با هزینه گزاف را در زیر آن قرار
دهند. خطر اینجاست که این وعده‌های پوچ
و فوری، گاهی افراد نیازمند را از درمان‌های
علمی و دارویی واقعی دور می‌کنند. وقتی این
نسخه‌های زرد کارساز نیستند، حس شکست
و ناامیدی عمیق‌تر شده و خطر خودکشی یا
بروز رفتارهای خشونت‌آمیز افزایش می‌یابد.
هوش مصنوعی، که می‌تواند ابزاری برای
آموزش و آگاهی‌بخشی باشد، در دستان
سودجویان روانشناسی زرد به سلاحی برای
کسب منفعت مالی تبدیل شده است و این،
زنگ خطری جدی برای سلامت روان جامعه
محسوب می‌شود.

❖ قانون هست، اما کجاست؟

قانون مصوب سال ۱۳۸۲، ارائه خدمات مشاوره
بدون داشتن پروانه اشتغال را جرم تلقی کرده
و مجازات تا دو سال حبس را برای متخلفان در
نظر گرفته است. اما در فضای افسارگسیخته
مجازی، این قانون به مثابه کاغذی پاره عمل
می‌کند. یک صفحه امروز مسدود می‌شود و
فردا با نامی جدید و محتوایی مشابه بازمی‌گردد.

❖ چه باید کرد؟

برای فرونشاندن این آتش سوزان، گام‌هایی
عملی باید برداشته شود: ایجاد سامانه‌های
پیشگیری از خشونت با پاسخگویی ۲۴ ساعته،
مجازی، این قانون به مثابه کاغذی پاره عمل
می‌کند. یک صفحه امروز مسدود می‌شود و
فردا با نامی جدید و محتوایی مشابه بازمی‌گردد.
روزنمای از امید در این تاریکی باشند.
رسانه‌ها اگر صرفاً به بازنشر تصاویر و ویدئوهای
خشونت‌آمیز بپردازند، ناخواسته به تریبونی
برای ترویج خشونت تبدیل می‌شوند. اما اگر به
ریشه‌های این معضلات بپردازند و با متخصصان
به گفت‌وگو بنشینند، می‌توانند مسیر روشنگری
را هموار سازند. سینما و تئاتر نیز می‌توانند
داستان خشونت را روایت کنند، اما باید در کنار
آن، روزنه‌های امید و راهکارهای ترمیم را نیز
به تصویر بکشند. مستند تحسین شده «خط
باریک قرمز» نمونه‌ای موفق از این دسته است
که در آن، نوجوانان آسیب‌دیده از خشونت،
خشم و انزجار خود را بر صحنه تئاتر تخلیه
می‌کنند، نه در خیابان‌های شهر.

چنین نقطه‌ای از استیصال می‌رسند، گویی بذ
ناامیدی در تمام ارکان جامعه ریشه دوانده است.
رئیس مرکز مشاوره دانشگاه علوم پزشکی ایران
هشدار می‌دهد که در سال ۱۴۰۱، بیش از ۶ هزار
نفر در ایران به دلیل خودکشی جان باختند؛
رقمی تکان‌دهنده که به معنای از
دست دادن ۱۷ جان شیرین در
هر روز است.

❖ چرا در گرداب خشم و ناامیدی گرفتاریم؟

کارشناسان برای این
وضعیت، چهار
عامل کلیدی را
بر می‌شمارند:
فشار طاقت‌فرسای
اقتصادی که تعادل میان
درآمد و هزینه را برهم زده،
بی‌اعتمادی عمیق اجتماعی
که افراد را تنها و بی‌پناه
ساخته، تأثیر مخرب شبکه‌های
اجتماعی که با بازنشر بی‌محابای

تصاویر و ویدیوهای خشونت‌آمیز، قبح قتل
و خودکشی را می‌شکند، و کمبود فاحش
خدمات روانشناختی که مراجعه به متخصصان
را برای بسیاری سخت و یا شاید در برخی موارد
غیرممکن ساخته است. این خلأ، بستری
مناسب برای رشد قارچ‌گونه روانشناسی زرد
فراهم کرده است. کافی است در اینستاگرام
هشتگ «سلامت روان» را جست‌وجو کنید تا
با انبوهی از صفحات مشاوران و کوچ لایف و...
مواجهه شوید که با رنگ‌های شاد و فونت‌های
جذاب؛ وعده‌های دروغین و شعارهای انگیزشی
می‌دهند: «افسردگی را در سه گام نابود کنید!»
یا «با قانون جذب، میلیاردر شوید!».

رئیس سازمان نظام روانشناسی هشدار می‌دهد
که از ۱۲ هزار صفحه فعال در این حوزه تنها ۱۵
درصد مجوز رسمی دارند. این بدان معناست
که بیش از ۱۰ هزار صفحه توسط افرادی اداره
می‌شوند که نه تخصص کافی دارند و نه پروانه
فعالیت معتبر. نکته نگران‌کننده‌تر، نقش
فزاینده هوش مصنوعی در این سودجویی است.
بر اساس گزارش‌ها، نزدیک به نیمی از محتوای
روانشناسی زرد در شبکه‌های اجتماعی با
بهره‌گیری از ابزارهای هوش مصنوعی تولید
می‌شود. این فناوری به افراد بی‌تجربه امکان
می‌دهد تا با چند کلیک ساده، جملاتی
به‌ظاهر عمیق و تخصصی را از منابع نامعتبر
یا پاسخ‌های تولیدشده توسط هوش مصنوعی
به عاریت گرفته و در قالب محتواهایی جذاب
منتشر کنند.



هجوم روانشناسان قلابی به اینستاگرام؛ فقط ۱۵ درصد مجوز دارند

روانشناسی زرد

- بیش از ده هزار صفحه روانشناسی توسط افرادی اداره می‌شود که
تخصص لازم یا پروانه فعالیت ندارند
- هوش مصنوعی که باید آگاهی بسازد در دستان سودجویان به
سلاحی برای کسب منفعت مالی تبدیل شده است

❖ شاهرخ فتوره‌چی

کارشناس ارشد دیجیتال مارکتینگ

تهران، بهار ۱۴۰۴: صدای نوتیف گوشه‌ی در
سکوت صبحگاهی، خبری تلخ را فریاد زد:
«قای کارگردان به زندگی خود پایان داد.»
چند ساعت بعد، در میان هیاهوی اینستاگرام،
جملاتی چشمک‌زندن: «باسه گام ساده، آرامش
را به زندگی دعوت کنید!». این تقابل گزنده،
تصویری تمام‌نما از جامعه‌ای ملتهب را پیش
چشم می‌گشاید؛ از یک سو، سایه شوم قتل و
خشونت‌های بی‌رحمانه و از سوی دیگر، بازار داغ
وعده‌های فریبنده روانشناسی زرد که گویی برای
التیام زخم‌های عمیق این روزگار، مُسکن‌های
فوری و بی‌خاصیت تجویز می‌کنند. این گزارش،
روایتی است از تراژدی قتل‌ها و خودکشی‌هایی
که قلب‌هایمان را به درد می‌آورند و جولانگاه
سودجویانی که با تکیه بر فناوری و مطالب زرد،
بر این جراحات نمک می‌پاشند.

❖ خودکشی؛ فریاد خاموش ناامیدی

اما خشونت همیشه بیرونی نیست؛ گاه در سکوت
و انزوا، جان خود فرد را نشانه می‌گیرد. فروردین
۱۴۰۴، «حامد صفایی»، کارگردان جوان برنامه
«عصر جدید»، با انتشار پستی از فشارهای
روانی و احساس بن‌بست نوشت: ساعاتی بعد،
خبر خودکشی‌اش همچون پتکی بر سرمان
فرود آمد. چند روز بعد، «کامران محمدخانی»،
کتاب‌فروش جوان باغ کتاب تهران در توفیتی از
مشکلاتش و یأس سخن گفت. فردای آن روز،
او نیز دیگر در میان ما نبود. این اخبار ناگوار،
همچون آواری بر روح و روانمان سنگینی
می‌کنند. وقتی فعالان عرصه فرهنگ و هنر به

سی سال حضور بر صدر موسیقی ایران

به بهانه انتخاب کارن
همایون فرکه چهره سال هنر
انقلاب شد صفحه ۴



کاهش آرام دلار و پلاهمزمان با ادامہ
مذاکرات سوم ایران و آمریکا

نوسان محتاطانه

- آونس جهانی طلا فرو ریخت؛ بازار داخلی فرصت
عقبگرد را غنیمت شمرد
- مرحله سوم مذاکرات ایران و آمریکا باعث کاهش‌های
محدود در بازار طلا و ارز ایران شده است

صفحه ۳

تحلیل محمود شمس الواعظین از پشت پرده گفت‌وگوها

فرمول برد-برد

در مذاکرات ایران و آمریکا

مذاکرات وارد فاز کارشناسی شده
یعنی اراده سیاسی شکل
گرفته است

صفحه ۲



موج تازه تعدیل نیروها در متا به بخش واقعیت مجازی رسید

تعدیل بی‌رحمانه

متا اعلام کرد که هدف این تغییرات افزایش کارایی در
تولید تجربه‌های واقعیت ترکیبی است

صفحه ۸

ال کلاسیکو، نبردی میان دو غول فوتبال با اهمیت
فراتر از یک بازی

یک بازی

چند صد میلیون دلاری

تنش‌های فرهنگی و سیاسی در ال کلاسیکو تأثیر زیادی
بر حساسیت این رقابت‌ها دارد

صفحه ۱۱



امید محتاطانه در مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا

گامی به جلودر فضایی جدی

عراقچی: فضای مذاکرات کاری و دقیق است اما این
به معنای رفع تمامی اختلافات نیست

صفحه ۲

تحلیل جامعه‌شناختی از مافیای آینه‌ای از واقعیت‌های اجتماعی جوانان

نقاب دروغ

- در بازی مافیای باز یکنان نقش‌های متنوعی را تجربه
می‌کنند و خود واقعی‌شان را آشکار می‌کنند
- ساختار قدرت در بازی مافیای نماد زندگی انسان معاصر
در عصر شتاب و رقابت است

صفحه ۹



ویچر ۳: شکار وحشیانه

افسانه‌ای که جاودانه شد

از مرداب‌های مه‌آلود تا قلعه‌های
برفی از نبردهای خونین تا تصمیمات
اخلاقی شکننده، **ویچر** جهانی
را خلق کرد که زرسین در آن
فراموش نشدنی است

صفحه ۸



گزارش تحلیلی

امید محتاطانه در مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا

گامی به جلو در فضای جدی

به گفته عراقچی، معنی این مذاکرات این نیست که تمام اختلافات حل شده است



مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا با میانجیگری عمان در فضایی جدی و حرفه‌ای ادامه پیدا کرده است. شواهد از مواضع رسمی تهران و مسقط نشان می‌دهد گفت‌وگوها وارد مرحله‌ای دقیق‌تر شده، اما اختلافات همچنان پابرجاست.

تمرکز بر رفع تحریم‌ها و اعتمادسازی

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه، روز گذشته در پیامی توییتی در میانه مذاکرات تأکید کرد که گفت‌وگوهای غیرمستقیم در فضایی جدی جریان دارد. او نوشت:

مذاکرات غیرمستقیم ایران_آمریکا در فضایی جدی ادامه دارد و طرفین مواضع و دیدگاه‌های خود را چه در هر حوزه خاتمه‌مؤثر تحریم‌ها و اعتمادسازی راجع به ماهیت صلح‌آمیز بر نامه هسته‌ای ایران اصرار از حق ایران برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را از طریق طرف عمانی تبادل می‌کنند.

توافق بر اصول مشترک

بدر البوسعیدی، وزیر امور خارجه عمان، نیز در توییتی جداگانه پس از پایان مذاکرات از شناسایی «آرمان مشترک» برای دستیابی به توافقی مبتنی بر «احترام متقابل و تعهدات پایدار» خبر داد.

او اعلام کرد که در مذاکرات اخیر، اصول اساسی، اهداف و نگرانی‌های فنی طرفین بررسی شده و مذاکرات هفته آینده با برگزاری نشست سطح بالایی که موقتاً برای سوم ماه مه برنامه‌ریزی شده، ادامه خواهد یافت.

مذاکرات جدی‌تر از گذشته است

عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، پس از پایان سومین دور مذاکرات، در اظهاراتی رسمی موارد زیر را اعلام کرد:

- مذاکرات ایران‌بار جدی‌تر از قبل بود.
- اختلافات همچنان هم در سطح کلان و هم در جزئیات وجود دارد.
- نظرات چندین بار به صورت مکتوب میان طرفین رد و بدل شده است.
- فضای مذاکرات کاری و دقیق است اما این به معنای رفع تمامی اختلافات نیست.
- تا پیش از دور بعدی، بررسی‌های بیشتری در پایتخت‌ها انجام خواهد شد.

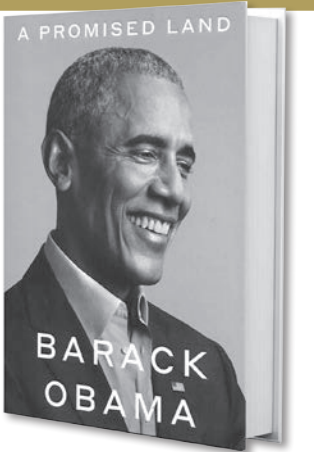
عراقچی تأکید کرد که «امیدواری برای پیشرفت وجود دارد اما این امید به شدت محتاطانه است.» او همچنین روند و سرعت مذاکرات را «رضایت‌بخش» دانست و افزود: «دو طرف با جدیت وارد گفت‌وگو شده‌اند.» به گفته عراقچی، موضوع مذاکرات صرفاً پرونده هسته‌ای و رفع تحریم‌هاست و ایران تحت هیچ شرایطی حاضر به مذاکره درباره موضوعات دیگر نیست. او همچنین از حضور کارشناسان اقتصادی و هسته‌ای در مراحل بعدی خبر داد.

دور بعدی مذاکرات؛ شنبه آینده

طبق اعلام وزیر امور خارجه ایران، دور بعدی مذاکرات احتمالاً روز شنبه برگزار خواهد شد و مکان دقیق آن توسط دولت عمان اعلام می‌شود. عراقچی گفت: «در این مرحله، ورود به جزئیات فنی در دستور کار قرار دارد و کارشناسان بر حسب ضرورت به تیم مذاکره‌کننده اضافه خواهند شد.»

پیشرفت آهسته با احتیاط بسیار

مجموع مواضع مقامات ایرانی و عمانی نشان می‌دهد که مذاکرات وارد فاز فنی‌تر و جدی‌تری شده است. با این حال، تأکید مکرر بر «امید محتاطانه» نشان می‌دهد که هنوز اختلافات مهمی پابرجاست و مسیر توافقی نهایی همچنان دشوار به نظر می‌رسد. نشست بعدی می‌تواند محک مهمی برای سنجش میزان جدیت طرفین در حرکت به سوی توافق باشد؛ توافقی که در صورت موفقیت، گامی مهم در کاهش تنش‌های هسته‌ای و منطقه‌ای خواهد بود.



از خاطرات تا کتاب‌های پرفروش

یکی از اولین گام‌های بسیاری از رهبران پس از ترک قدرت، روایت داستان خودشان است. باراک اوباما مدت کوتاهی پس از پایان دوره ریاست جمهوری‌اش به نگارش خاطراتش پرداخت. او که از محبوبیت بالایی برخوردار بود، قرارداد چاپ کتاب خود را با رقمی بالغ بر ۶۰ میلیون دلار منعقد کرد. کتاب خاطرات اوباما («سرزمین موعود») به سرعت تبدیل به کتابی پرفروش شد و همچنین میشل اوباما نیز کتاب خاطرات خود را منتشر کرد که میلیونی فروش رفت. اوباما تنها به نوشتن اکتفا نکرد؛ او هم‌سرش حتی به دنیای رسانه و سرگرمی هم وارد شدند. در سال ۲۰۱۸ آنها با شبکه نتفلیکس قرارداد بستند تا مجموعه‌ای از فیلم‌ها و مستندها را تهیه کنند. این محتوای تولیدی قرار بود هم سرگرم‌کننده باشد و هم بازتابی از دغدغه‌های اجتماعی و سیاسی آنها. به این ترتیب، رئیس‌جمهوری پیشین آمریکا خاطراتش را قلم زد و قصه‌گوی داستان‌های دیگران نیز شد.

در آن سوی اقیانوس اطلس، نیکولاسار کوزی رئیس‌جمهور اسبق فرانسه بخش مهمی از زندگی پس از الیزه را به نوشتن گذراند. او در

سال‌های پس از ۲۰۱۲ جلد چند کتاب خاطرات و تأملات سیاسی منتشر کرد که با استقبال قابل توجهی مواجه شدند. اولین جلد خاطرات او با عنوان «احساسات» در سال ۲۰۱۹ منتشر شد و ناشران در همان ابتدا ۲۰۰ هزار نسخه از آن را روانه بازار کردند. استقبال از این کتاب چنان بود که به‌زودی چاپ‌های بعدی هم به راه افتاد. سار کوزی در کتاب‌هایش ضمن روایت فراز و نشیب‌های دوران قدرت، با صراحت از همتایان و رقیبانش نیز سخن گفت و گاهی انتقادهای تند و آراوانه آنان کرد. در حالی که کتاب‌های او فروش می‌رفتند، بسیاری گمان می‌کردند شاید این مقدمه‌ای برای بازگشت او به سیاست باشد، گمانی که البته فعلاً رنگ حقیقت نگرفته است.



آنگلامرکل صدراعظم پیشین آلمان پس از شانزده سال زمامداری، مسیری متفاوت برگزید. او که در دسامبر ۲۰۲۱ از قدرت کناره رفت، ماهه‌دار خلوت مشغول انجام کاری بود که طی دوران صدراعظمی هرگز فرصت نکرده بود: نوشتن. مرکل بیشتر وقت خود را صرف نگارش خاطراتش کرد و سرانجام کتاب خاطرات او با عنوان «آزادی: خاطرات ۱۹۵۴-۲۰۲۱» منتشر کرد. این کتاب که حدود ۷۰۰ صفحه حجم دارد، قرار است تصویری نزدیک و صمیمی از زندگی شخصی و سیاسی مرکل ارائه دهد؛ از کودکی در آلمان شرقی تا دوران طولانی صدراعظمی در برلین. مرکل خود گفته است پرسش‌هایی که در تمام زندگی ذهن او را مشغول کرده، مفهوم «آزادی» بوده است؛ مفهومی که او حالا پس از کناره‌گیری از سیاست، فرصت یافته درباره‌اش بنویسد. جالب اینکه مرکل برخلاف بسیاری از رهبران، پس از

قدرت به کلی از سیاست فاصله گرفت و به ندرت در انظار عمومی ظاهر شد. او ماه‌های نخست بازنشستگی را به مطالعه آثار ادبی همچون مکیث اثر شکسپیر و دون کارلوس اثر شیاعر گذراند. مرکل حتی پیشنهادهای وسوسه‌انگیزی مانند تصدی سمت‌های بین‌المللی یا ورود به لابی‌های سیاسی را رد کرد و ترجیح داد زندگی آرامی در پیش گیرد که در آن سیاست جای چندانی ندارد.

در خاورمیانه، حسن روحانی رئیس‌جمهور پیشین ایران، نمونه‌ای متفاوت را رقم زد. روحانی پس از پایان دوره‌اش در سال ۱۴۰۰ برخلاف رسم معمول، از بسیاری عرصه‌های رسمی کناره‌گذاشته شد. بر اساس رویه همیشگی در ایران انتظار می‌رفت او عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام باقی بماند، اما چنین نشد. به این ترتیب روحانی تا حد زیادی به حاشیه رفت.

او در محافل سیاسی و رسانه‌ای حضوری کم‌رنگ دارد و جز دیدارهای گاه‌به‌گاه با برخی مقامات سابق یا شرکت در مراسمی محدود، فعالیت چشمگیری از او دیده نشده است. زندگی پس از قدرت برای روحانی بیشتر به سکوت و انزوا شباهت دارد.

این وضعیت در حالی رخ داده که پیش از او، برخی سیاستمداران ایرانی سعی کرده بودند پس از پایان مسئولیت ریاست جمهوری، با نگارش خاطرات، نقش خود را در تاریخ ثبت کنند. نمونه بارز آن اکبر هاشمی رفسنجانی بود... هاشمی با این کار نه‌فقط تلاش کرد روایت خود از تحولات سیاسی ایران را ماندگار کند، عملاً نوعی اثرگذاری نرم و بلندمدت بر حافظه تاریخی جامعه نیز برجا گذاشت. حال آنکه روحانی، تا امروز، حتی گام نخست را در این مسیر برنداشته و آینده‌نشان خواهد داد که آیا او نیز سرانجام خاطرات خود را بر کاغذ خواهد آورد یا در سایه سکوت فراموش خواهد شد.

تور سخنرانی‌ها و درآمدهای افسانه‌ای

برای برخی رهبران، پایان مسئولیت دولتی آغاز فصل جدیدی از حضور در مجامع بین‌المللی است؛ حضوری که این‌بار به عنوان سخنرانان شاخص در همایش‌ها و کنفرانس‌ها رقم می‌خورد. این سخنرانی‌ها علاوه بر حفظ نفوذ و شهرت آنان، درآمدهای قابل توجهی نیز به همراه دارد. باراک اوباما پس از خروج از کاخ سفید به سرعت به چهره‌ای محبوب در گردش سخنرانی‌های پول‌ساز بدل شد. تنها چند ماه پس از ترک قدرت، خبر رسید که او برای یک سخنرانی در وال استریت ۴۰۰ هزار دلار دستمزد دریافت خواهد کرد. این مبلغ چشمگیر برای سخنرانی در کنفرانسی مربوط به شرکت مالی کانتور فیتزجرالد بود؛ رویدادی که جنجال رسانه‌ای هم به پا کرد، چرا که اوباما پیش‌تر در دوران ریاست جمهوری‌اش از زیاده‌روی‌های بانکی انتقاد کرده بود. با این وجود، اوباما با قدرت وارد این عرصه شد و تقاضا برای حضورش در محافل مختلف سر به فلک گذاشت.

نمونه دیگر جو بایدن است پس از ترک ریاست جمهوری آمریکا خدمات خود را به عنوان سخنران در رویدادها ارائه کرده است، برای یک سخنرانی فقط ۳۰۰ هزار دلار درخواست کرده است.

در بریتانیا، دیوید کامرون نخست‌وزیر اسبق، پس از کناره‌گیری در ۲۰۱۶، مدتی از سیاست فاصله گرفت و به دنیای تجارت و مشاوره روی آورد؛ گرچه این تجربه برای او خالی از حاشیه نبود. کامرون با یک شرکت مالی به نام گرینسپیل کپیتال به عنوان مشاور همکاری کرد و در جیو‌حسه پاندمی کرونا تلاش کرد برای این شرکت رو به ورشکستگی از دولت کمک مالی بگیرد. افشای پیام‌های خصوصی او به مقامات دولت در این خصوص جنجالی تحت عنوان «روایی گرینسپیل» ایجاد کرد. یک کمیته پارلمانی در ۲۰۲۱ عملکرد کامرون را نشان‌دهنده سوءقضاوت جدی دانست. اما حتی این رسوایی هم مانع از آن نشده که کامرون به کسب درآمد خارج از سیاست ادامه دهد. او کتاب خاطرات خود «برای ثبت» را با پیش‌پرداخت قابل ملاحظه‌ای منتشر کرد و در

سیاستمداران پس از ترک قدرت چه مسیری را در پیش می‌گیرند؟

قصه بازنشستگی

رهبران سیاسی

اوباما، سارکوزی، جانسون، کامرون و مرکل پس از ترک قدرت با

فعالیت‌های رسانه‌ای و تجاری به موفقیت رسیدند، در حالی که روحانی در سکوت باقی‌ماند



الهه کاکایی

هفت صبح

پس از پایان دوران قدرت، رهبران سیاسی مسیرهای گوناگونی را می‌پیمایند؛ از صحنه‌های پُرحیاهوی سخنرانی گرفته تا گوشه‌های آرام کتابخانه برای نگارش

خاطرات. هر کدام داستانی تازه بیرون از کاخ‌های قدرت آغاز می‌کنند. برای برخی، خروج از دفتر ریاست دولت به معنای ورود به عرصه‌ای جهانی است؛ عرصه‌ای که در آن گاهی درآمدهای نجومی در انتظارشان است و گاهی زندگی آرام و به‌دور از سیاست.



نهایت با چرخشی غافلگیرکننده، در اواخر ۲۰۲۳ دوباره به دولت بازگشت و تا سال ۲۰۲۴ به عنوان وزیر امور خارجه فعالیت کرد. بوریس جانسون که سال ۲۰۲۲ مجبور به استعفا شد، بلافاصله زندگی جدیدی را آغاز کرد که بیشتر بر محور سخنرانی‌های پرسود و نویسندگی می‌چرخد. جانسون در عرض چند ماه پس از خروج از دفتر نخست‌وزیری، بیش از ۵ میلیون پوند درآمد از محل سخنرانی و پیش‌پرداخت کتاب به دست آورد. او برای چهار سخنرانی در آمریکا و هند طی تنها دو ماه، بیش از یک میلیون پوند دریافت کرد. همچنین حدود نیم میلیون پوند پیشاپیش برای نگارش خاطرات دوره پر تلاطم نخست‌وزیری‌اش گرفته است. جانسون ستون‌نویس یک روزنامه پرتیراژ شد و دفتر ویژه‌ای برای مدیریت فعالیت‌های پس از قدرتش تأسیس کرد.



فرجام سخن

زندگی پس از قدرت برای رهبران سیاسی جهان، دنباله‌ای جذاب بر فصل پرهیجان حکمرانی

برخی سیاستمداران ایرانی سعی کرده بودند پس از پایان مسئولیت ریاست جمهوری، با نگارش خاطرات، نقش خود را در تاریخ ثبت کنند. نمونه بارز آن اکبر هاشمی رفسنجانی بود... هاشمی با این کار نه‌فقط تلاش کرد روایت خود از تحولات سیاسی ایران را ماندگار کند، عملاً نوعی اثرگذاری نرم و بلندمدت بر حافظه تاریخی جامعه نیز برجا گذاشت

برای برخی رهبران، پایان مسئولیت دولتی آغاز فصل جدیدی از حضور در مجامع بین‌المللی است؛ حضوری که این‌بار به عنوان سخنرانان شاخص در همایش‌ها و کنفرانس‌ها رقم می‌خورد. این سخنرانی‌ها علاوه بر حفظ نفوذ و شهرت آنان، درآمدهای قابل توجهی نیز به همراه دارد



کارهای انسان دوستانه

و نقش‌های جهانی

بسیاری از رهبران پس از پایان دوره قدرت، اعتبار و نفوذ خود را صرف امور بشردوستانه و علمی می‌کنند و تلاش دارند میراث مثبتی از خود بر جای بگذارند. نمونه بارز در این زمینه جیمی کارتر، رئیس‌جمهور اسبق آمریکا است که پس از سال ۱۹۸۱ به یک فعال خستگی‌ناپذیر صلح و حقوق بشر تبدیل شد و مرکز کارتر را بنیان گذاشت. او دهه‌ها به میانجی‌گری صلح، مبارزه با بیماری‌های واگیردار در آفریقا و نظارت بر انتخابات کشورهای مختلف مشغول بود. در اوپا، ژاک شیراک پس از ترک کاخ الیزه در سال ۲۰۰۷، بنیاد خبریه‌ای به نام بنیاد شیراک راه‌اندازی کرد. این بنیاد در حوزه‌هایی چون صلح، دسترسی به آب سالم و تنوع فرهنگی فعالیت می‌کند. شیراک اگرچه به خاطر پرونده‌های قدیمی مالی در دوران شهرداری پاریس به محکومیت قضایی هم رسید، اما تا پایان عمر و جبهه‌ای نسبتاً مثبت در میان بخشی از افکار عمومی فرانسه حفظ کرد. در آمریکای لاتین، لوئیس ایناسیو لولا دا سیلوا، رئیس‌جمهور سابق برزیل، پس از پایان دوران ریاست جمهوری‌اش به نماد چپ‌گرایان آمریکای جنوبی تبدیل شد. لولا با تأسیس انستیتوی لولا به سفرهای جهانی پرداخت و درباره فقر، نابرابری و عدالت اجتماعی سخن گفت. اما او هم از گزند اتهامات فساد در امان نماند و سال‌هایی را در زندان گذراند. آزادی لولا پس از ۵۸۰ روز حبس، با استعقال گسترده هوادارانش همراه شد و او نهایتاً در سال ۲۰۲۲ بار دیگر به قدرت بازگشت. چنین مسیرهایی در دیگر نقاط جهان هم دیده می‌شود. بسیاری از رهبران آفریقایی پس از ترک قدرت، به عنوان میانجی‌گران در بحران‌های منطقه‌ای فعالیت کرده‌اند. تائو امبکی در آفریقای جنوبی و آلن جانسون سیرلیف در لیبی، با نمونه‌های موفق این الگو هستند.



از نگاه دونالد ترامپ _ که پیشینه تجاری دارد _ مسائل مالی اهمیت ویژه‌ای دارد. «در برجام ۲ یا هر نام دیگری او در ادامه به سابقه رفتار ترامپ در قبال برجام هم اشاره می‌کند:

«ترامپ در نخستین هفته ریاست جمهوری خود از برجام خارج شد. آن زمان جمله معروفی گفت: این توافق چه نفعی برای آمریکا داشته؟ و بعد علامت صفر را با دشتش نشان داد. اگر در برجام اول، مزایای اقتصادی برای آمریکا در نظر گرفته شده بود، شاید شاهد فروپاشی آن نبودیم.»

فرمول برد – برد برای آینده مذاکرات

شمس الواعظین معتقد است در سر‌های برجام اول باید در مذاکرات پیش رو لحاظ شود: «در برجام ۲ یا هر نام دیگری که بر آن گذاشته شود، باید جایگاه و منافع آمریکا هم دیده شود. من فرمولی مطرح کرده‌ام که بر مبنای آن، آمریکا نیاز به امتیاز دارد و ما نیاز به سرمایه‌گذاری‌های گسترده، باید این دو نیاز را به هم گره بزنیم. در این صورت، می‌توانیم به یک توافق برد – برد برسیم.»

اشاره می‌کند: «گاهی برخی مقامات آمریکا حرف‌های متناقض می‌زنند؛ اما این بیشتر برای راضی نگه داشتن برخی از جمله تل آویو است و مشکلی در مسیر مذاکرات ایجاد نمی‌کند.»

آماده باش برای مرحله توافق

شمس الواعظین هشدار می‌دهد که افکار عمومی باید برای تحولات سریع آماده شود: «ما باید به سرعت مذاکرات را از منظر عقلانی تفسیر کنیم تا جامعه غافلگیر نشود. گفت‌وگوهای کارشناسی که به پایان برسد، مذاکرات وارد فاز توافق می‌شود. یعنی فاصله‌چندانی تا دستیابی به توافق سیاسی با آمریکا نداریم، به‌ویژه در مراحل بعدی.»

گره‌های مالی در کنار گره‌های سیاسی

او یکی از محورهای اصلی مذاکرات را «سرمايه‌گذاری» عنوان می‌کند: «ایران بارها بحث سرمايه‌گذاری آمریکا در پروژه‌های ایرانی را مطرح کرده. خیلی‌ها می‌گویند که این مذاکرات، علاوه بر گره‌های سیاسی، گره‌های مالی هم دارد.

ماشالله شمس الواعظین، تحلیلگر و روزنامه‌نگار سابق، به گفت‌وگو با «هفت صبح» درباره روند تازه مذاکرات ایران و آمریکا توضیح می‌دهد و معتقد است که مذاکرات وارد مرحله‌ای تعیین‌کننده شده است:

«وقتی در خبرها می‌شنویم که مذاکرات به سطح گفت‌وگوهای کارشناسی ارتقا یافته، این یعنی گفت‌وگوهای اولیه موفق بوده و مذاکرات بعدی نیز با سهولت و اطمینان بیشتری پیش خواهد رفت. در واقع، می‌توان از هم‌اکنون گفت که وضعیت مذاکرات خوب است.»

شمس الواعظین با تأکید بر اهمیت ورود به سطح کارشناسی افزود: «گفت‌وگوهای کارشناسی یعنی ورود به مسائل فنی و این به معنای آن است که اراده سیاسی لازم از سوی طرفین شکل گرفته است. این روند، سیگنالی مثبت از پیشرفت مذاکرات می‌دهد. حتی هیأت آمریکایی هم اعلام کرده که خبرها مثبت است، که اتفاق بسیار مهمی به حساب می‌آید.»

البته او به برخی تناقض‌گویی‌های مقامات آمریکایی هم



هفت صبح در گفت و گوهایی بانایب رئیس اتاق اصناف وعضو هیات امنای بازار بررسی می کند

ماجرای پلمب ۱۲۷ مغازه در بازار تهران

● پلمب گسترده مغازه‌ها به دلیل پرونده حقوقی بین مالکان، اوقاف و شخص ثالثی صورت گرفته که مدعی سهم به عنوان متولی این مغازه‌ها است

الهه کاکایی
هفت صبح

هفته گذشته بازار بزرگ تهران شاهد اتفاقی بی‌سابقه بود؛ پلمب ناگهانی ۱۲۷ واحد صنفی با پیگیری اداره اوقاف. این اقدام واکنش‌ها و ابهام‌های زیادی را در فضای بازار و برانگیخت، به خصوص آنکه بسیاری از مغازه‌های پلمب شده، سال‌هاست به طور فعال در چرخه اقتصادی بازار حضور داشتند و صاحبان‌شان سرمایه‌های قابل توجهی در آنها به کار گرفته‌اند.

محمدرضا فرجی تهرانی، نایب رئیس اتاق اصناف تهران، در گفت‌وگو با هفت صبح ضمن اعلام این‌خبر، ابعاد مختلف این ماجرا را تشریح کرد. به گفته او، اتاق اصناف به عنوان اصلی‌ترین مرجع دفاع از حقوق بازاریابان، پیگیری موضوع را از نهادهای مسئول آغاز کرده و به کسبه قول داده است که نتیجه این پیگیری‌ها را با آنان در میان بگذارد.

● ادعای مالکیت بر ۱۲۷ مغازه؛ ماجرای پر از ابهام

فرجی تهرانی در توضیح این رخداد، به نکته‌ای مهم اشاره کرد: فردی مدعی شده که در این ۱۲۷ مغازه سهمی از مالکیت یا سرقفلی به عنوان متولی موقوفه دارد و برای ادعای خود مستنداتنی ارائه کرده است. این در حالی است که در عرف بازار، انتقال مالکیت یا حتی شراکت در یک واحد صنفی، فرآیندی بسیار شفاف و دقیق داشته و کسبه نسبت به آن حساسیت زیادی دارند.

او گفت: «در گذشته اگر کسی می‌خواست حتی یک سهم سه‌دانگی از مغازه‌ای را بخرد، همه اطلاعات حقوقی و شرعی مربوط به مالکیت بررسی می‌شد. مردم می‌خواستند

دقیق بداندن سرمایه‌شان در اختیار چه کسی قرار می‌گیرد.»

حال پرسش بزرگ اینجاست که چطور ممکن است شخصی پس از سال‌ها ناگهان مدعی شود که در این تعداد مغازه سهم دارد، بی‌آنکه تا پیش از این کسی از چنین ادعایی مطلع باشد؟

تقاضای شفاف‌سازی فرجی تهرانی تأکید کرد که پلمب گسترده مغازه‌ها در بازار تهران در شرایط دشوار اقتصادی تصمیمی اشتباه است.

این اقدام باعث بیکاری کسبه می‌شود و روند اقتصادی بازار را با چالش‌های جدی مواجه می‌کند. او خواستار ورود فوری نهادهای امنیتی برای شفاف‌سازی ماجرا شده است

فرجی تهرانی با لحنی پر از نگرانی افزود:

«سؤال ما این است که چرا پیش از این چنین چیزی اعلام نشده بود؟ این افراد که حالا مدعی‌اند، چرا بعد از مدت‌ها سر و کله‌شان پیدا شده؟ آیا تنها امروز به ذهنشان رسیده

که مالکیت یا سرقفلی دارند؟ مگر می‌شود این تعداد مغازه به نام یک فرد یا وراث او باشد و کسی خبر نداشته باشد؟

● در سال سرمایه‌گذاری، بر خورد قهری با کسبه؟

نایب رئیس اتاق اصناف همچنین با اشاره به فشارهای اقتصادی شدید بر دوش فعالان بازار، خاطر‌نشان کرد که در این وضعیت

به‌صورت اجاره‌ای در اختیار مستأجران قرار دارد، بروز می‌کند. وقتی که یک لوله‌کشی در طبقه بالا دچار خرابی می‌شود، ممکن است

در زمینه تعمیرات به عهده مستأجر نباشد، اما در صورت بروز خسارت به واحدهای پایین‌تر، مستأجران نیز ممکن است از مالک درخواست جبران خسارت کنند.

● هزینه‌های مشاعات و مشکلات حقوقی در آپارتمان‌ها

در ساختمان‌های آپارتمانی، مشکلات مربوط به لوله‌کشی علاوه بر واحدهای مسکونی، به مشاعات نیز گسترش می‌یابد. خرابی‌های لوله‌کشی در سیستم‌های فاضلاب یا آب‌سانی باعث نشست آب به سایر بخش‌های

یا حتی بخش‌های مشاعی مانند راه‌پله‌ها و پارکینگ‌ها می‌شود. این‌موضوعات در بسیاری از موارد به تنش‌های میان ساکنان ساختمان منجر می‌شود. علاوه بر آن، تقسیم هزینه‌های تعمیرات لوله‌کشی در مشاعات بین واحدها مختلف، گاهی به یک چالش بزرگ تبدیل می‌شود.

در چنین شرایطی، اغلب با اختلاف نظرهایی در خصوص نحوه تقسیم هزینه‌ها روبه‌رو هستیم. هر واحدی که به نوعی از خدمات مشاع بهره‌مند می‌شود، سهمی از هزینه‌های تعمیرات را بر عهده دارد. اما در برخی مواقع، توافق بر سر مبلغ نهایی و نحوه تقسیم هزینه‌ها بین ساکنان به یک معضل جدی تبدیل می‌شود. این‌موضوع، به‌ویژه در ساختمان‌هایی با تعداد واحدهای زیاد، ممکن است به کندی در روند تعمیرات منجر شود.

● پیدا کردن پیمانکار مناسب

یکی دیگر از مشکلات رایج در تعمیرات لوله‌کشی فرسوده، پیدا کردن پیمانکار مناسب است. یافتن پیمانکاری که تخصص لازم را در تعمیر لوله‌های فرسوده داشته باشد، به‌ویژه در ساختمان‌های قدیمی، کاری چالش‌برانگیز است. بسیاری از پیمانکاران ممکن است با مشکلات مربوط به لوله‌کشی در ساختمان‌های قدیمی آشنا نباشند و نتوانند راه‌حل‌های مؤثر و اقتصادی ارائه دهند.

علاوه بر این، عدم شفافیت در زمینه قیمت‌ها و هزینه‌های اضافی، باعث نگرانی مالکان و مستأجران می‌شود. وقتی که مستأجران یا مالکان به دنبال انتخاب پیمانکار می‌روند،

● چرا پلمب؟ آیا راه منطقی‌تری نبود؟

برخی از کارشناسان حقوقی و اقتصادی بر این باورند که حتی اگر ادعای مالکیت این فرد قابل اعتنا باشد، اقدام به پلمب دسته‌جمعی مغازه‌ها قبل از طی کامل مراحل قضایی، تصمیمی شتاب‌زده و پرخطر بود. در ماجراهای این چنینی، معمولاً راهکار مرسوم و منطقی این است که صرفاً محدودیت‌هایی بر نقل و انتقال مالکیت (خرید و فروش یا واگذاری) اعمال شود تا

وضعیت حقوقی مغازه‌ها روشن گردد. این کار ضمن حفظ حقوق مدعیان مالکیت، مانع از آسیب مستقیم به کسبه و اقتصاد بازار می‌شود.

از نگاه حقوقی، در این پرونده نیازی به اقدامات قهری چون پلمب نبود. رسیدگی به اختلافات باید در بستر مراجع صالح قضایی انجام شود، بدون اینکه فعالیت روزمره واحدهای صنفی دچار اختلال شود. این در حالی است که پلمب مغازه‌ها هم حیثیت حرفه‌ای بازاریابان را خدشه‌دار کند و هم خسارت‌های مالی هنگفتی به آنها وارد کند؛ خسارتی که جبران آن بسیار دشوار خواهد بود.

معمولاً با تعدادی پیشنهاد با قیمت‌های متفاوت روبه‌رو می‌شوند. در این شرایط، طبقه‌بندی قیمت‌ها و ارزیابی کیفیت خدمات ارائه‌شده برای آنها دشوار است. این مسئله در نهایت منجر به انتخاب‌های اشتباهی می‌شود که ممکن است به بروز مشکلات بیشتر و هزینه‌های اضافی منتهی گردد.

● هزینه‌های تعویض لوله‌ها

هزینه تعویض لوله‌ها در ساختمان‌های قدیمی بسته به چندین عامل مختلف متغیر است. در اکثر موارد، تعویض لوله‌ها شامل هزینه‌های متعددی از جمله هزینه‌های لوله‌های جدید، هزینه دستمزد پیمانکار، آب‌سانی باعث نشست آب به سایر بخش‌های از ساختمان برای دسترسی به لوله‌ها و هزینه‌های اضافی برای ترمیم سایر تأسیسات است.

با توجه به شرایط اقتصادی کنونی، هزینه تعمیر و تعویض لوله‌ها برای بسیاری از مالکان و مستأجران سنگین است. به‌ویژه در ساختمان‌های بزرگ یا قدیمی که

در چنین شرایطی، اغلب با اختلاف نظرهایی در خصوص نحوه تقسیم هزینه‌ها روبه‌رو هستیم. هر واحدی که به نوعی از خدمات مشاع بهره‌مند می‌شود، سهمی از هزینه‌های تعمیرات را بر عهده دارد. اما در برخی مواقع، توافق بر سر مبلغ نهایی و نحوه تقسیم هزینه‌ها بین ساکنان به یک معضل جدی تبدیل می‌شود. این‌موضوع، به‌ویژه در ساختمان‌هایی با تعداد واحدهای زیاد، ممکن است به کندی در روند تعمیرات منجر شود.

● پیدا کردن پیمانکار مناسب

یکی دیگر از مشکلات رایج در تعمیرات لوله‌کشی فرسوده، پیدا کردن پیمانکار مناسب است. یافتن پیمانکاری که تخصص لازم را در تعمیر لوله‌های فرسوده داشته باشد، به‌ویژه در ساختمان‌های قدیمی، کاری چالش‌برانگیز است. بسیاری از پیمانکاران ممکن است با مشکلات مربوط به لوله‌کشی در ساختمان‌های قدیمی آشنا نباشند و نتوانند راه‌حل‌های مؤثر و اقتصادی ارائه دهند.

علاوه بر این، عدم شفافیت در زمینه قیمت‌ها و هزینه‌های اضافی، باعث نگرانی مالکان و مستأجران می‌شود. وقتی که مستأجران یا مالکان به دنبال انتخاب پیمانکار می‌روند،

به‌صورت اجاره‌ای در اختیار مستأجران قرار دارد، بروز می‌کند. وقتی که یک لوله‌کشی در طبقه بالا دچار خرابی می‌شود، ممکن است

در زمینه تعمیرات به عهده مستأجر نباشد، اما در صورت بروز خسارت به واحدهای پایین‌تر، مستأجران نیز ممکن است از مالک درخواست جبران خسارت کنند.

● هزینه‌های مشاعات و مشکلات حقوقی در آپارتمان‌ها

در ساختمان‌های آپارتمانی، مشکلات مربوط به لوله‌کشی علاوه بر واحدهای مسکونی، به مشاعات نیز گسترش می‌یابد. خرابی‌های لوله‌کشی در سیستم‌های فاضلاب یا آب‌سانی باعث نشست آب به سایر بخش‌های یا حتی بخش‌های مشاعی مانند راه‌پله‌ها و پارکینگ‌ها می‌شود. این‌موضوعات در بسیاری از موارد به تنش‌های میان ساکنان ساختمان منجر می‌شود. علاوه بر آن، تقسیم هزینه‌های تعمیرات لوله‌کشی در مشاعات بین واحدها مختلف، گاهی به یک چالش بزرگ تبدیل می‌شود.

در چنین شرایطی، اغلب با اختلاف نظرهایی در خصوص نحوه تقسیم هزینه‌ها روبه‌رو هستیم. هر واحدی که به نوعی از خدمات مشاع بهره‌مند می‌شود، سهمی از هزینه‌های تعمیرات را بر عهده دارد. اما در برخی مواقع، توافق بر سر مبلغ نهایی و نحوه تقسیم هزینه‌ها بین ساکنان به یک معضل جدی تبدیل می‌شود. این‌موضوع، به‌ویژه در ساختمان‌هایی با تعداد واحدهای زیاد، ممکن است به کندی در روند تعمیرات منجر شود.

● پیدا کردن پیمانکار مناسب

یکی دیگر از مشکلات رایج در تعمیرات لوله‌کشی فرسوده، پیدا کردن پیمانکار مناسب است. یافتن پیمانکاری که تخصص لازم را در تعمیر لوله‌های فرسوده داشته باشد، به‌ویژه در ساختمان‌های قدیمی، کاری چالش‌برانگیز است. بسیاری از پیمانکاران ممکن است با مشکلات مربوط به لوله‌کشی در ساختمان‌های قدیمی آشنا نباشند و نتوانند راه‌حل‌های مؤثر و اقتصادی ارائه دهند.

علاوه بر این، عدم شفافیت در زمینه قیمت‌ها و هزینه‌های اضافی، باعث نگرانی مالکان و مستأجران می‌شود. وقتی که مستأجران یا مالکان به دنبال انتخاب پیمانکار می‌روند،



درخواست تغییر متولی برای حفظ انسجام بازار بزرگ تهران

محمد توکلی، عضو هیأت امنای بازار تهران، در گفت‌وگو با «هفت صبح» درباره اختلافات اخیر در بازار گفت: «بیشتر مغازه‌داران حاضر در این بخش از بازار، بیش از ۷۰ سال است که رقبه دارند. فردی که به عنوان متولی حکم خلع بد گرفته، تنها ادعایی درباره سهم‌هایی کوچک در حد یکی دو دانگ یا حتی نیم دانگ از هر مغازه دارد.» توکلی افزود: «از اداره اوقاف انتظار داریم برای حفظ نظم بازار و حقوق موقوفه، نسبت به تغییر متولی اقدام کند. مغازه‌داران آمادگی دارند با اوقاف همکاری کنند و حقوق قانونی خود را بپردازند.» او با اشاره به حساسیت وضعیت بخش‌هایی از بازار که از پانچار شروع شده و به چهلتن منتهی می‌شود، گفت: «در این محدوده ۱۴۵ مغازه وجود دارد که به دلیل شرایط خاص، رسیدگی به مسائل آنها نیازمند بهره‌گیری از ظرفیت ریش‌سفیدی در بازار و همکاری هیأت امنای بازار است.»

عضو هیأت امنای هشدار داد: «بازار بزرگ تهران یک اکوسیستم به هم پیوسته است. تعطیلی این تعداد مغازه می‌تواند جریان گردش کالا و پول را دچار اختلال کند؛ مدیریت چنین بحرانی دشوار و چاه بسا ناممکن خواهد بود.»

● ضرورت ورود نهادهای امنیتی برای ایجاد شفافیت

محمدرضا فرجی تهرانی با تأکید بر حمایت اتاق اصناف از کسبه بازار، خواستار ورود نهادهای امنیتی به ماجرا شد. او گفت: «ضرورتی است نهادهای امنیتی با هدف ایجاد شفافیت به این موضوع ورود کنند. اگر خدایی نکرده مستندات این فرد اشکال دارد، باید رسیدگی شود و اگر صحت دارد، بدون آسیب به کسبه و فعالان اقتصادی، راهکاری منطقی برای احقاق حق ارائه شود.» به گفته او، بازار تهران قلب تپنده اقتصاد کشور است و حفظ آرامش و اعتماد در این بازار، امری ضروری و حیاتی است که نباید با تصمیمات عجولانه خدشه‌دار شود.

هفت صبح به عنوان یک رسانه بی‌طرف و مستقل، همواره در راستای ارائه اخبار منصفانه قلم برداشته و آماده است تا نظرات و دیدگاه‌های دیگر ذینفعان این

ماجرای رانیز با هدف شفافیت بیشتر و درک عمیق‌تر از پیچیدگی‌های مسئله، در اختیار مخاطبان قرار دهد. هفت صبح با تأکید بر اهمیت آرامش در بازار تهران و فضای کسب و کار، معتقد است که برای مدیریت هر گونه بحران اقتصادی، گفت‌وگو و تبادل نظر سازنده بین تمامی طرف‌ها، امری ضروری است.



لوله‌کشی‌ها ممکن است به‌طور گسترده‌ای دچار فرسودگی شده باشند، هزینه‌های تعمیرات به چند ده میلیون تومان می‌رسد. هزینه‌ها به‌طور معمول میان مالکان تقسیم می‌شود.

● قیمت‌ها متغیر هستند و بسته به محل پروژه (شمال یا جنوب شهر) و دستمزد استادکار ممکن است بالاتر یا پایین‌تر باشند.

● اگر ساختمان نیاز به رفع نم و رطوبت داشته باشد، هزینه‌ای جداگانه برای ایزولاسیون اضافه خواهد شد.

● در صورت نیاز به برش کاشی /سرامیک یا بازسازی دیوارها و کف و سقف پس از لوله‌کشی هزینه‌ها به شدت افزایش می‌یابد.

● در پروژه‌های بزرگ، امکان تخفیف برای کار زیاد و تجمیعی وجود دارد.

نوع خدمات لوله‌کشی	حدود قیمت (تومان)	توضیحات
تشخیص ترکیدگی لوله با دستگاه	۵۰۰ هزار تا ۱.۵ میلیون	بستگی به محل نشئی و پیچیدگی کار دارد.
تعمیر لوله آب (تعویض موضعی)	متری ۳۵۰ تا ۶۵۰ هزار	شامل تخریب، تعویض و نماسازی موضعی.
لوله‌کشی آب سرد و گرم ساختمان قدیمی	متری ۹۰۰ هزار تا ۱.۵ میلیون	بسته به نوع لوله (پنج لایه، پلیمر یا فلزی).
لوله‌کشی کامل فاضلاب ساختمان (بازسازی)	متری ۱.۲ تا ۲ میلیون	شامل مواد اولیه و دستمزد.
رفع گرفتگی لوله با دستگاه فتر برقی	۴۵۰ تا ۹۰۰ هزار	قیمت بر اساس طول لوله و میزان گرفتگی تغییر می‌کند.
تعویض کامل لوله‌های فرسوده حمام /سرویس	۱۵ میلیون	بسته به ابعاد، تعداد سرویس‌ها و کیفیت مصالح.
اجرای کامل سیستم لوله‌کشی آپارتمان ۷۰متر	۲۵ تا ۴۵ میلیون	قیمت تمام‌شده با مصالح متوسط بازار.
هزینه کارشناسی اولیه و بازدید فنی	رایگان تا ۳۰۰ هزار	برخی شرکت‌ها بازدید را رایگان انجام می‌دهند.
هزینه تعمیرات در مشاعات (مثلاً پارکینگ)	توافقی؛ حدود ۱۰ تا ۳۰ میلیون	بسته به مترائز لوله و محل قرار گیری مشاعات.
هزینه تغییر مسیر لوله‌کشی به دلیل فرسودگی	هر مسیر ۵ تا ۱۰ میلیون	شامل تخریب و بازسازی کف و دیوارها.

یادداشت

آمریکا دلار چاپ می‌کند جهان تاوان می‌دهد

فرشید فرح‌نیکیان
دکترای حقوق نفت و گاز



برتون وودز زنجیر زد؛ دلار، شاه شد. نیکسون طلا را کنار زد و دلار را آزاد کرد تا بی‌پشتوانه فرمانروایی کند. ریاض تسلیم شد؛ نفت فقط با دلار معامله شد و انرژی به خراج آمریکا بدل شد. دلار شد پادشاه خزانه‌های جهان و در ۹۰ درصد معاملات، اسمش هست. سرپیچی؟ تحریم. برای باورش فقط از روسیه بپرسید. آمریکا چاپ می‌کند، جهان تاوان می‌دهد! صدای ناقوس پایان اما شنیده می‌شود. آیا شما هم می‌شنوید؟

نظام برتون وودز در ۱۹۴۴، ارزهای جهان را به دلار آمریکا بست؛ دلاری که آن زمان به طلا وابسته بود؛ اما در ۱۹۷۱، نیکسون این پیوند را برید و دلار را رها کرد تا بدون پشتوانه، سلطه‌اش را گسترش دهد. نظامی که در سال ۱۹۴۴ برای تثبیت ارزهای جهانی پایه‌گذاری شد و ارزها را به دلار آمریکا (که در آن زمان قابل تبدیل به طلا با نرخ ۳۵ دلار به ازای هر اونس بود) متصل می‌کرد. این نظام در سال ۱۹۷۱، با تصمیم ریچارد نیکسون برای تعلیق تبدیل پذیری دلار به طلا فروپاشید و راه را برای نظام نرخ ارز شناور باز کرد؛ امری که به سلطه دلار در تجارت جهانی انجامید (Federal Reserve History، ۲۰۲۳).

در ۱۹۷۴، با توافق نفتی با عربستان، دلار به تنها زبان انرژی در جهان تبدیل شد. نظام پترو-دلار پس از توافق سال ۱۹۷۴ میان ایالات متحده و عربستان سعودی برای قیمت‌گذاری نفت به دلار شکل گرفت. این توافق باعث شد تقاضای جهانی برای دلار تضمین شود؛ به‌طوری‌که تا سال ۲۰۲۳ حدود ۸۰ درصد معاملات نفتی همچنان بر پایه دلار انجام می‌شود. باین حال، تحرکات اخیر کشورهای عضو بریکس (BRICS) نشانه‌هایی از تغییر در این روند را نشان می‌دهد (Atlantic Council، ۲۰۲۴).

قدرت دلار فقط اقتصادی نیست؛ ابزاری ژئوپلیتیکی هم هست. تحریم سوئیت علی‌ه روسیه در ۲۰۲۲ نمونه‌ای از استفاده آمریکا از این اهرم است که شامل ممنوعیت بانک اس‌ب‌بانک نیز می‌شد. با توجه به اینکه دلار در حدود ۹۰ درصد معاملات ارزی جهانی حضور دارد، این قبیل اقدامات نشان می‌دهند چگونه ایالات متحده می‌تواند از قدرت پولی خود برای اعمال مجازات اقتصادی بین‌المللی بهره‌برداری کند.

چین البته طی سال‌های گذشته تلاش کرده است نظام پرداخت مبتنی بر یوان را با سرعت بیشتری توسعه دهد. این روند به حدی پیشرفت کرده که در سال ۲۰۲۳، برای نخستین‌بار، میزان پرداخت‌های بین‌المللی این کشور با استفاده از یوان از پرداخت‌های دلاری فراتر رفت. باین حال، این پروژه همچنان در مسیر تکامل قرار دارد و چین با دستیابی به قطع کامل وابستگی به دلار، هنوز چندین سال فاصله دارد. علاوه بر این، چین به‌طور تدریجی در حال کاهش ذخایر دلاری خود است. در حال حاضر، ذخایر اوراق خزانه آمریکایی این کشور حدود ۷۵۰ میلیارد دلار است که نشان‌دهنده کاهش تقریباً ۴۰ درصدی در ذخایر اوراق خزانه نسبتاً به اوج ۱/۳ تریلیون دلاری آن در سال ۲۰۱۴ است.

برتون وودز، ارزهای جهان را به اراده واشنگتن زنجیر کرد. نیکسون وعده طلا را پاره کرد و دلار را رها ساخت تا بی‌مهار در جهان بتازد. ریاض سر فرود آورد و نفت را فقط در برابر دلار فروخت و انرژی را به خراجی تبدیل کرد که مستقیماً به وال‌استریت سرازیر می‌شود. امروز، دلار قدرتمند همچنان بر خانه‌های بانک‌های مرکزی حکم می‌راند و در ۹ معامله از هر ۱۰ معامله، فرمانروایی می‌کند. سرپیچی که کنید، چکش تحریم‌های سوئیت فرود می‌آید؛ از تجربه مسکو بپرسید. جهان کار می‌کند و آمریکا چاپ می‌کند. کسری بودجه آمریکا از طریق خریداران ناگزیر خارجی تأمین می‌شود؛ درحالی‌که افزایش نرخ بهره توسط فدرال رزرو، اقتصادها را از صحرای دلتای رودخانه در هم می‌کوبد. ناقوس پایان سلطه دلار به صدا درآمده است! آیا صدایش را می‌شنوید؟

صرافی

ریزش ناچیز در بازار طلا و دلار

مرحله سوم مذاکرات همچنان تأثیر آرامبخش دارد اما نه مثل قبلی بازار طلا و ارز دیروز شاهد ریزش‌های نسبی بود؛ هرچند شدت این کاهش‌ها نسبت به مراحل قبلی مذاکرات ایران و آمریکا کمتر به نظر می‌رسد. مرحله سوم مذاکرات که در مسقط در جریان است، همچنان اثری آرامبخش بر بازارها دارد اما عمده حباب‌های قیمتی طی دور اول و دوم مذاکرات تخلیه شده‌اند و حالا بازار تنها به توافق نهایی واکنش بزرگ نشان خواهد داد. اگرچه هر حله سوم مذاکرات همچنان بر بازارها تأثیر آرامبخش دارد اما کاهش‌های قیمتی دیگر از جنس ریزش‌های قبلی نیست. بازار اکنون محتاط‌تر شده و به نظر می‌رسد واکنش اصلی خود را به زمان توافق نهایی موکول کرده است. دیروز قیمت دلار مجدداً به هر کردیدر ۷۰ هزار تومانی بازگشت و در نیمه پایینی کانال، ۷۹ هزار تومان معامله شد. از سوی دیگر، تحولات جهانی نیز بی‌تأثیر نبود. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، اعلام کرده در یکم می، مذاکرات تجاری با چین آغاز خواهد شد. انتشار همین خبر در هفته گذشته باعث ریزش بهای جهانی طلا از ۲۵۰۰ دلار به ۳۳۰۰ دلار شد.

اثر این روند نزولی از اواخر هفته گذشته در بازار داخلی طلا و سکه ایران دیده شد و جهت انتظارات سرمایه‌گذاران را تغییر داد. اگرچه اونس جهانی طلا دیروز با اندکی رشد به ۳۳۱۸ دلار رسید اما توانست ریزش هفتگی خود را جبران کند.

براساس داده‌های معاملاتی هر گرم طلای ۱۸ عیار دیروز به ۶.۴۳۳.۰۰۰ تومان رسید که نسبت به سه روز پیش، کاهش ۱ درصدی داشته است. هر مثقال طلای ۱۸ عیار نیز با افت ۰.۷۱ درصدی به ۲۷.۹۵۰.۰۰۰ تومان معامله شد.

قیمت سکه امامی به ۷۱.۹۰۰.۰۰۰ تومان رسید که نسبت به سه روز پیش ۰.۱۳ درصد افزایش داشت.

نیم سکه نیز با رشد ۰.۴۶ درصدی به ۴۳.۰۰۰.۰۰۰ تومان رسید. ربع سکه با قیمت ۲۴.۵۰۰.۰۰۰ تومان و سکه گرمی با قیمت ۱۳.۰۰۰.۰۰۰ تومان معامله شدند.

دلار مبادله‌ای نیز با کاهش ۰.۰۸ درصدی به ۷۱.۲۰۵ تومان رسید.



سر آن ندارم امشب که از خاطر هبر آیم



عسل آفریور

دبیر گروه فرهنگ

توفیری ندارد خاطره‌ها؛ باشید یا نه، حتی تفاوتی نمی‌کند از آن دسته آدم‌هایی باشید که از گذشته عبور می‌کنند و چشم به آینده دارند؛ گذشته همواره شما را دنبال خواهد کرد.

من از همان دسته اولم، همان‌هایی که عاشقِ خاطره‌هازی‌اند، گذشته را تصویر می‌کنند و در ذهن‌شان دوباره زندگی‌اش می‌کنند. کمی هم سینمادوست باشید و فیلم‌بین دیگری می‌توانید گذشته‌تان را سر و شکل سینمایی بدهید و مثل یک نمایش اختصاصی برای خودتان اکرانش کنید. فقط توصیه می‌کنم، سراغ سریال نروید، سریال‌بینی زمان می‌خواهد و فراغ بال. در این زندگی پر سرسام امروز هم مگر می‌شود همه گذشته را سریال کرد و قسمت‌قسمت به تماشا نشست. البته جز زمان، این را هم به یاد داشته باشید، سینماسازی یا سریال‌سازی فرق دارد. اصولا کسی که برای سینما می‌سازد نمی‌تواند سریال‌ساز خوبی باشد. البته که شما همین حالا به وقت رسیدن به این جمله می‌توانید یک لیست بلندبالا بنویسید از کسانی که هر دو را باهم کرده‌اند. این حرف‌ها، جداسازی مدیوم‌ها، دیگر خریدار ندارد. بیش از یک دهه پیش که هنوز شرایط این نبود که هست، این مسئله بود. خیلی‌ها نقد داشتند، بسیاری معتقد بودند این تقسیم‌بندی‌ها محدودیت می‌آورد. نباید هنر را محدود کرد، نباید هنر مند را در یک چارچوب نگه داشت، بگذارید هنر مند هوایی بخورد. آن‌زمان حرف از تجربه بود. تجربه کنند، شاید بتوانند. امروز اما دیگر این حرف از اساس بی‌معناست. اصلا دسته‌بندی‌ای وجود ندارد. سازنده در هر قالبی برود، رفته است. دیگر چه کسی دنبال این داستان می‌گردد تو که فیلمساز بودی چطور سریال ساز شدی؟!

از خاطره دور شدیم. حالا چه سینمایی چه سریال. فکر می‌کنم آدم‌های شبیه من بیشترند. چرا فکر می‌شسبیه نتیجه‌گیری قطعی به نظر می‌رسد، چون مشاهده‌گر بودم و البته اتفاقات قابل ارجاع هم سراغ دارم.

روزی که هایدت تبدیل به خواننده محبوب دهه هشتاد شد، گفتند داستان هایدت تفاوت دارد. هایدت خواننده نسل هاست، نمرده است. روزی کسه ریچمیکس‌های دهه شصت خواننده‌های لس‌آنجلسی از هر ماشینی در سطح شهر تا هر مهمانی‌ای شنیده شد، گفتند نبود فضای آزاد برای موسیقی پاپ دلیل بازگشت جوانان به موسیقی‌های لس‌آنجلسی چهار دهه پیش شده. این نکته را هم بی‌یوت‌اش گذاشتند که اگر کارهای جدید همین خواننده‌های لس‌آنجلسی زنده با اقبال مواجه نمی‌شود به خاطر افت کیفیت‌شان است. روزی که معین از همین بازگشت به گذشته مخاطب ایرانی داخل مرزها استفاده کرد و بازسازی برند شخصی‌اش را با تنظیم جدید آهنگ‌های گذشته‌اش پیش برد، گفتند معین همیشه محبوب بوده است؛ از پدر بزرگ تا نوه. میان این نظرات اما خاطر موسیقایی با سرعت بیشتری قلعه‌ها را فتح می‌کرد. هیچ خواننده و غیرخواننده! پاپ و شیش و هشتی خوان داخلی هم نتوانست از پس این موج فاتحانه برآید.

داستان به همین جا ختم نشد، تا نسبت این اتفاق را به موسیقی و محدودیت‌هایش ربط دهیم. از بحث سینمای امروز ایران (فیلم‌های کمدی و اجتماعی) اگر بگذریم، تب و تاب بازی‌نی فیلم‌های گذشته سینمای ایران نیز موج دوم را به راه انداخت. «هامون» را مثال نمی‌زنم چون هامون‌بازها اسم این فیلم که می‌آید همگی متفق‌القول می‌گویند از سال ۱۳۶۸ تاکنون، هامون همیشه در صدرموقف‌ها بوده است. فیلم‌های دیگری جز سینمای مهرجویی، کیمیایی و نقوایی هم هستند تا سراغشان را برای اثبات این اتفاق بگیریم. چندوقت پیش «نفس عمیق» ترند روز شد. فیلم شهبازی همان سال‌ها دوست‌دار و مخالف داشت. اصلا شهبازی با همین فیلم وارد دسته فیلمسازانی شد که مخاطب یا دوستش دارد و یا نه. اما دو ماه پیش که اسم این فیلم به بهانه اصلاح تصویر در اینستاگرام چرخید، همه سراغش رفتند. چه آنانی که دیده بودند و چه آنها که اصلا از وجودش خبر نداشتند. این بار همه فیلم را دوست داشتند، دیگر کسی نگفت این فیلم فقط مخاطب خاص دارد. این بازگشت به گذشته، جز موج فیلم‌بینی‌هایی است که با مرگ فیلمساز یا بازیگرش دوباره موردتوجه قرار می‌گیرد.

موج سوم که برای اثبات اهمیت گذشته در ایران شکل گرفت، (کشورهای دیگر حالا مورد بحث نیستند، گرچه براساس مطالعات انجام شده بازگشت به گذشته و خاطره‌بازی یک حس مشترک میان همه انسان‌ها، فارغ از نژاد یا موقعیت جغرافیایی در زمان تولد یا دوران زندگی است.) بازسازی گذشته با کمک هوش مصنوعی بود. بیایید این را بدون اینکه قرار باشد برایتان چند دلیل ردیف کنم، خودتان مشاهده کنید. صفحه اینستاگرام‌تان را باز کنید. می‌توانم با شما شرط ببندم یکی از ده پست اولی که در صفحه اصلی اینستاگرام می‌بینید، تصویر بازسازی شده از گذشته‌ای است که با کمک هوش مصنوعی ساخته شده. از متحرک کردن تصاویر ناصرالدین‌شاه و انیس‌الدوله سوگلی شاه قاجار، تا ترکیب صدای هر خواننده این‌ور و آن‌ور آبی با هایدت، از فیت با آدل تا هم‌خوانی با شادمهر. هوش مصنوعی همه‌چیز برایمان می‌سازد. تصویر قدم زدن شجریان در میان بازار تهران وقتی به دوربین نگاه می‌کند و لبخند می‌زند تا واقعیت بخشیدن به «تنها صداست که می‌ماند» از فروغ خرداد. این علاقه‌مندی سوم (هوش مصنوعی) از دو دسته دوم قبلی بهتر هم هست. از زنده کردن خاطراتمان تا تصویر کردن آرزوهایمان. از دوباره دیدن تاریخ بدون سند تصویری ایران تا کنسرت معین در میدان آزادی. ما گذشته را دوباره زندگی می‌کنیم، هر چقدر غیرواقعی و محصور در میان قاب گوشی‌هایمان.

توفیری ندارد خاطره‌ها؛ باشید یا از گذشته عبور کرده باشید. گذشته شما را دنبال می‌کند. نوستالژی در زندگی کنونی نقش مهمی بازی می‌کند. نوستالژی نه با آن مفهومی که یوهانس هوفر سال ۱۶۸۸ به عنوان نوعی بیماری آن را کشف کرد. «بیماری مرموز دل‌تنگی که باعث خودکشی، افسردگی و اختلال در خواب می‌شد». نوستالژی حالا مفری است برای رهایی از حال، که هم‌ماش حتی جزئیاتش قابل تحمل نیستند. هوفر اگر زنده بود از همان آغاز قرن بیستم به نوستالژی دیگر در دسته بیماری روانی قرار نگرفت و به حس خوشایند مطبوعی برای بشر تبدیل شد، نظرش را تغییر می‌داد. انسان امروز قرن بیست و یکم قطعا دلیل محکمی برای رد نظر ابتدایی در خصوص نوستالژی است. خاطره‌بازی حالا دیگر حس مثبت همگانی است که به منبع روانی قدرتمندی برای بهبود کیفیت زندگی تبدیل شده. وقتی در ایران امروز زندگی می‌کنید، در میان مردمی که گذشته برایشان دریچه‌امیدبخش تاب‌آوری و تحمل است، با کسانی که هنوز نسبت به این حس بدبین هستند و آن را عملی نابخردانه و غیرمنطقی می‌دانند؛ و در جامعه و سیاست از آن به عنوان نشان رفتار پوپولیستی و مخرب یاد می‌کنند، مخالف خواهید بود. خاطره‌بازی با همان نوستالژی قطعا سال ۱۶۸۸ یکی از راه‌های تاب‌آوری زندگی برای ماست.

شنبه‌نویس ستونی است که هر شنبه اینجا منتشر خواهد شد. حالا چرا امروز که یکشنبه است این ستون اینجاست یک دلیل بیشتر ندارد. دیروز در این دو صفحه جشنی برپا بود. جشنی که از واقعیت، تصویر و متن شد و اینجا نشست تا شما یی که نتوانستید بیاید، نبودید اما دل‌تان با ما بود خودتان را اینجا حس کنید.

امروز یکشنبه را با ستون شنبه‌نویس از ما بی‌زیرید تا از هفته دیگر به وقت هفت صبح شنبه اینجا را بخوانید.

سی سال حضور بر صدر موسیقی ایران

وقتی موسیقی روایت‌گر زمانه می‌شود

به بهانه انتخاب کارن همایون‌فر که چهره سال هنر انقلاب شد



سما بابایی
هفت صبح

کارن همایون‌فر، یکی از مهم‌ترین چهره‌های موسیقی تصویری ایران در سال ۱۴۰۳، به عنوان چهره سال هنر انقلاب انتخاب شد. این اتفاق بیش از هر چیز، نشان‌دهنده آن است که موسیقی نیز می‌تواند روایتی انقلابی و پیش‌برنده از تحولات اجتماعی، تاریخی و فرهنگی ارائه دهد. موسیقی کارن همایون‌فر نه تنها زینت بخش تصویر است بلکه خود بدل به عنصری روایی، معناساز و گاه انتقادی می‌شود. او صدای روایت‌های درونی است. روایت‌هایی که گاه از پس دیالوگ‌ها عبور نمی‌کنند اما از دل تم‌ها و موتیف‌های او، به جان مخاطب می‌نشینند.

از تهران تا آنکارا؛ آغاز یک سفر موسیقایی

کارن همایون‌فر در سال ۱۳۴۷ در تهران به دنیا آمد و از همان سال‌های ابتدایی زندگی، نیو و علاقه‌اش به موسیقی آشکار بود. او از شش‌سالگی به فراگیری پیانو و تئوری موسیقی پرداخت و پس از پایان دبیرستان، مسیر تحصیل در موسیقی را در خارج از کشور ادامه داد. انگلستان و سپس ترکیه. در آنکارا همایون‌فر تحت آموزش استادان بزرگی چون حکمت شیمشک و انور توفان، با مفاهیمی چون هارمونی، کنترپوان و فرم موسیقایی به‌طور تخصصی آشنا شد. این پایه کلاسیک، بعدها بدل به شالوده امضای شخصی او در موسیقی فیلم شد.

آغاز در سینما؛ آهنگسازی برای روایت

کارن همایون‌فر از سال ۱۳۷۳ به‌طور حرفه‌ای وارد دنیای موسیقی فیلم شد. جهانی که خیلی زود او را پذیرفت و صحنه را در اختیارش گذاشت. او با فیلم‌های شاخصی چون «خاک‌آشتن»، «سوت پایان»، «گزارش یک جشن» و «سالاد فصل» و... توانست هویتی منحصر‌به‌فرد در موسیقی متن خلق کند. آنچه در آثارش جلب توجه می‌کند، توانایی بی‌نظیرش در ساختن فضاهای حسی متنوع است. از ملودی‌های عاشقانه و تأمل‌برانگیز تا تم‌هایی حماسی و پرکشش. با ساخت موسیقی برای بیش از ۱۰۰ فیلم و سریال، انتشار آلبوم‌های مستقل، همکاری با چهره‌های شاخص ادبیات و سینما، و همچنین نقش آفرینی در شکل‌دهی به نهادهای تخصصی چون کانون آهنگسازان سینمای ایران، کارن همایون‌فر نه تنها یک آهنگساز مؤلف است بلکه یکی از مؤثرترین چهره‌های موسیقی تصویری ایران نیز هست.

تجربه داوری؛ از خالق تا قضاوت‌گر

در فصل سوم مسابقه تلویزیونی «عصر جدید»، همایون‌فر جایگزین آریا عظیمی‌نژاد شد و به جمع داوران این برنامه پیوست. حضور او در این جایگاه، فرصتی بود تا نگاه تخصصی و صریحش درباره موسیقی، به شکل عمومی تر عرضه شود. او با صراحت، دقت و دغدغه هنری، به یکی از صداهای شاخص این برنامه بدل شد؛ نه فقط به عنوان داور، که به عنوان یک راهنما برای نسل تازه هنرمندان.

سفر به گذشته با جامه‌های تاریخی

فیلم‌های تاریخی، مد را چون کلیدی برای گشودن دروازه‌های زمان به کار می‌برند. در «غور و تعجب» (۲۰۰۵)، ژاکلین دوران با الهام از سبک ریجنسی، دامن‌های سبک و کمربالا را چنان طراحی کرد که نه تنها انگلستان قرن نوزدهم را زنده کرد بلکه روح سرکش و باهوش الیزابت بنت را به تصویر کشید. این جامه‌ها با پارچه‌های نرم و خطوط ظریف، حس عاشقانه‌ای را منتقل کردند که هنوز در قلب مخاطبان زنده است. سریال «برچرتون» این سبک را با رنگ‌های شاداب‌تر و تفسیری جسورانه بازآفرینی کرد و موجی از علاقه به مد ریجنسی را در دنیای واقعی به راه انداخت. لباس‌های پفدار و تاج‌های گل دار این فیلم، از فشن‌شوهای پاریس تا کمدی‌های خیابانی، راه خود را باز کردند و نشان دادند که سینما چگونه می‌تواند گذشته را به امروز پیوند دهد.



جشن تنوع با پارچه‌های فرهنگی

سینما بستری است که مد از طریق آن فرهنگ‌های گوناگون را به جهانمان معرفی می‌کند. در «بلنگ سیاه» (۲۰۱۸)، روث ای. کارتر با الهام از پارچه‌های آفریقایی و الگوهای سنتی، لباس‌هایی آفرید که دنیای خیالی واکاندا را باورپذیر ساختند. از ردای پادشاهی تی‌چالا تا جامه‌های رنگارنگ جنگجویان دورا امیلاجه، هر لباس داستانی از غرور و هویت می‌گفت. این طراحی‌ها که جایزه اسکار را به ارمان آوردند نه تنها فرهنگ آفریقایی را جشن گرفتند، بلکه برندهای جهانی را به سوی استفاده از موتیف‌های آفریقایی سوق دادند. این جادوی مد در سینماست که می‌تواند یک فرهنگ را از حاشیه به مرکز توجه بیاورد.

کارن در مراسم چهره سال هنر

کارن همایون‌فر، در مراسم دریافت این عنوان، سخنانی بر زبان راند که از عمق اندیشه، درد زمانه و عشق به خاک برخاسته بود. او گفت: «در ساخت موسیقی، تنها پرداختن به فن و تکنیک بسنده نیست. بر این باورم که هنرمند، پیش از هر چیز باید نگاهی ژرف به جامعه، تاریخ و اقوام این سرزمین داشته باشد. هر روز، دو ساعت را به تمرین ساز می‌گذرانم، اما در میانه این ریاضت‌روانه، آنچه برایم فراتر از نوا اهمیت دارد، کتاب است. مطالعه، برای مواجهه عمیق با درونیات انسان و تحولات جامعه است». همایون‌فر، وابستگی‌اش به ایران را این‌گونه توصیف کرد: «ایران، جان من است. میزان پیوند من با این خاک چنان است که گاه از شدت تعلق، در نمی‌یابم چه باید کرد. هر زخمی که بر هر گوشه‌ای از این وطن می‌نشیند، بر دل من نیز نشسته است. هنوز هم ایران را نه صرفاً در جغرافیای محدود، بلکه در هیات امپراتوری فرهنگی می‌بینم. قلب تپنده خاورمیانه. خاورمیانه برای من، تنها نقشه سیاسی نیست؛ اقلیم پیامبران است، زادگاه فرهنگ و عشق. از هزاران سال پیش تاکنون. جایی که امروز قهرمانی به خاک می‌افتد و فردا قهرمانی دیگر از خاک برمی‌خیزد. بی‌درک این بستر، نمی‌توان ایران را فهم کرد؛ ما ساکنان قلب خاورمیانه‌ایم.»



نغمه‌ای بر نیل: همکاری‌های ماندگار با ابراهیم حاتمی‌کیا

همایون‌فر در طول دوران حرفه‌ای خویش، برای بسیاری از آثار ابراهیم حاتمی‌کیا موسیقی نوشته است و آخرین آن، آهنگسازی فیلم «موسیقی کلیم‌الله» است. اثری ریشه‌دار در اسطوره، ایمان و عصیان. موسیقی فیلم موسی، کلیم‌الله از جایگاه صرف همراهی با تصویر فراتر رفته و به ماهیتی روایی و حماسی بدل شده است. آن چه همایون‌فر در این اثر آفریده، صرفاً موسیقی زمینه نیست بلکه پژواک یک تاریخ مقدس است که در هیات نغمه، آکنده از رنج، رسالت و راز، بر جان مخاطب می‌نشیند.

کارن همایون‌فر با بهره‌گیری از ارکسترآسیون عظیم، سازهای کوبه‌ای سنگین و استفاده‌ای هوشمندانه از فواصل شرقی، توانسته است شکلی از موسیقی خلق کند که نه تنها درون مایه مذهبی اثر را بازتاب می‌دهد بلکه مخاطب را در تجربه سسلوک نبوی شریک می‌سازد. این موسیقی از جایی آغاز می‌شود که کلمه فرو می‌ماند و تنها موسیقی است که می‌تواند با خدای طور سخن بگوید.

حاتمی‌کیا: کارن همایون‌فر، بال پرواز سینماست

شاید به همین خاطر است که زمانی که او جایزه هنر انقلاب را دریافت کرد، حاتمی‌کیا برای او سنگ تمام گذاشت و گفت: «در سینما، موسیقی نه همراه که بال پرواز است و بی‌هیچ تعارفی باید گفت کارن همایون‌فر، استاد این پرواز است. او با تمامی ارتفاعات آشناست؛ چه پرواز بر فراز فرازها، چه پرسه در ارتفاعات پایین. بارها برای من پیش آمده که موسیقی او آن چنان درخشیده که ناگزیر شده‌ام عقب‌با بستم و بگویم: کارن، این صحنه مال توست، من دیگر چیزی برای افزودن ندارم.»

حاتمی‌کیا در ادامه، خاطره‌ای تأثیرگذار از اثر همایون‌فر را چنین بازگو کرد: «در لحظه تشییع جنازه سید حسن نصرالله در بیروت، موسیقی کارن بود که به فضا معنای سوگ بخشید. زمانی که موشک‌های اسرائیلی سقف آسمان را شکافتند، موسیقی همچنان می‌نواخت؛ چنان‌که گویی ارتفاع پروازش از موشک‌ها نیز بالاتر بود. آنجا، سلفق پرواز موسیقی کارن در اوج بود. او هنرمندی است که از مرز تکنیک گذشته و به زیست‌اندیشه‌ورزانه در جهان هنر گام نهاده است. در همه همکاری‌های مشترک‌مان، کارن همواره نماینده جهانی آرمان‌گرا بوده است. جهانی که در آن، امید، حرمت و حقیقت در هم می‌آمیزند.»

سینما، تلویزیون، شعر، صدایی ماندگار در حافظه جمعی

همایون‌فر یکی از مددو آهنگسازانی است که هم در عرصه سینما و هم در دنیای باپ و شعر، فعالیت‌هایی جدی و خلاقانه داشته است. همکاری با رضا یزدانی در آلبوم «خاطرات میهم» و ساخت موسیقی برای شعرهای احمد رضا احمدی در پروژه «دوستت دارم»، نشان داد که همایون‌فر دغدغه تجربه‌گری در دیگر مدیوم‌های هنری را نیز دارد. او در این آثار، هم صدا و هم تصویر را فراتر از قاب سینما، در دل ادبیات و موسیقی مردمی جاری کرد. در کنار فعالیت‌های سینمایی، همایون‌فر در تلویزیون هم خوش درخشید. ساخت موسیقی سریال‌هایی مانند «سفر سبزر»، «مرگ تدریجی یک رویا»، «تنهایی لیلا»، «همسایه‌ها» و... باعث شد تا امضای صوتی او در خانه‌های مردم هم شنیده شود. آلبوم گذشته، حال استمراری که مجموعه‌ای از این آثار را در خود جای داده، هنوز هم یکی از پرفروش‌ترین نمونه‌های موسیقی تلویزیونی در ایران است.

آیکون‌های مدرن، زاده کمد سینما

مد در سینمای مدرن، هویت‌هایی خلق کرده که فراتر از پرده سینما به فرهنگ عامه راه یافته‌اند. در «صحنه‌ای در تیفانی» (۱۹۶۱)، لباس مشکی ساده ادری هپبورن، طراحی شده توسط هوبر دو ژوانشی، به نمادی از ظرافت جاودانه بدل شد. آن پیراهن مینیمال با دستکش‌های بلند و گردنبند مروارید هنوز الهام‌بخش استایل‌های شیک و بی‌زمان است. به همین ترتیب کت چرمی بلند کیانو ریوز در «ماتریکس» (۱۹۹۹) سبکی سایبرپانک را تعریف کرد که از خیابان‌های توکیو تا کت‌واک‌های نیویورک طنین‌انداز شد. این لباس‌ها نه تنها شخصیت‌ها را به یادماندنی کردند، بلکه به الگویی برای نسل‌های جدید تبدیل شدند. از کت‌های مشکی بلند در مد خیابانی تا طراحی‌های آینده‌نگرانه در برندهای لوکس.

وقتی مد ستاره فیلم می‌شود

در برخی فیلم‌ها، مد نه فقط ابزار بلکه خود داستان است. «شیطان پرادای می‌بوشد» (۲۰۰۶) با نمایش کمدهایی از پرادا و شتل، نگاهی طنزآمیز اما عمیق به پشت صحنه صنعت مد انداخت. از کت‌های خردار میرآندا پریستلی تا استایل‌های حرفه‌ای اندی ساکس، این لباس‌ها نه تنها شخصیت‌ها را تعریف کردند، بلکه به الگویی برای کمدهای کاری مدرن بدل شدند. سریال «مدمن» (۲۰۰۷-۲۰۱۵) نیز با بازسازی مد دهه ۱۹۶۰ از کت و شلوارهای تنگ‌دان دراپ تا لباس‌های میدی‌کی اولسون، سبکی را احیا کرد که هنوز در طراحی‌های امروزی دیده می‌شود. این آثار نشان می‌دهند که مد می‌تواند قصه‌گو باشد و تماشاگر را به دل یک جهان تاز ببرد.



پیوند ابدی مد و سینما

مد در سینما، چه در بازسازی تاریخ، چه در خلق آیکون‌های مدرن، چه در نمایش فرهنگ‌ها یا روایت داستان، نقشی بی‌همتا دارد. از دامن‌های ریجنسی «برچرتون» تا کت‌های چرمی «ماتریکس»، این لباس‌ها لحظه‌هایی خلق کرده‌اند که از پرده سینما به کمدهای ما راه یافته‌اند. هر فیلم، فصلی تازه در این همکاری خلاقانه می‌گشاید و مد و سینما را چون دو ستاره در آسمان فرهنگ، به هم پیوند می‌دهد.



نگاهی به فیلم‌هایی که بر دنیای لباس تأثیر گذاشتند

وقتی مد از پرده سینما به جامعه می‌رسد

مد و سینما، چون دو یار دیرین، دست در دست هم داستان‌هایی بصری آفریده‌اند که قلب‌ها را تسخیر و فرهنگ‌ها را جاودانه کرده‌اند. لباس در فیلم‌ها فراتر از یک پوشش ساده، به راوی احساسات، هویت‌ها و دوره‌های تاریخی بدل شده و گاهی چنان می‌درخشد که دیالوگ‌ها را در سایه خود می‌گذارند. از جامه‌های پرزرق و برق گذشته تا استایل‌های مدرن، مد در سینما نه تنها شخصیت‌ها را جان می‌بخشد، بلکه روندهای جهانی را شکل می‌دهد.





هپولای تئاتری

که دل‌ها را ربود!

«کورالاین» نمایشی که تالار وحدت را به رقص و نور درآورد

محمدعرفان صدیقیان

هفت صبح

به چنین دستاوردی به‌طور اتفاقی حاصل نشده و عوامل اجرایی مختلفی باعث شده تا «کورالاین» مورد توجه تماشاگرانی از گروه‌های سنی متفاوت قرار گیرد. از افراد جدی تر که به صورت حرفه‌ای تماشاگر تئاتر تئاترهای روز هستند تا برخی دیگر که شاید برای اولین بار به واسطه این اثر حضور در سالن نمایش را تجربه کردند.

نمایش فانتزی از کودکی به نوجوانی
«کورالاین» بر داشت آزادی از انیمیشنی به همین نام محصول سال ۲۰۰۹ است که در پس زمینه‌ای فانتزی، روایتگر ماجراهای دختری در سنین گذر از دوران کودکی به نوجوانی بوده و با ورود خانواده او به منزلی تازه با وقایع عجیب و غریبی روبه‌رو شده و در نهایت الگوی مشابه با نوعی سفر قهرمانی را تجربه می‌کند. نمایشی که زمینه‌هایی همچون تعدد پرسوناژها، بهره‌گیری از خطوط داستانی پرفراز و نشیب و همچنین گرافیک و گرگشایی‌های متوالی و پیوسته در سیر روایت، در متن اثر کار کردی دراماتیک پیدا کرده و می‌تواند در مدت زمانی قریب به دو ساعت، تماشاگر را مجذوب قصه و اتمسفر جاری در اثر کرده و او را با خود همراه کند.

بیگ پروداکشن جاه‌طلبانه، ترکیبی از چند هنر
مخاطبان هدف و اصلی «کورالاین» گروه سنی کودک و نوجوان هستند و عوامل اثر برای مرعوب کردن مخاطبان و تماشایی شدن هر چه بیشتر این نمایش، ضیافت چشم‌گیری از تصاویر بدیع، نورپردازی چشم‌گیر و صحنه‌های پر شور و خلاقانه را تدارک دیده‌اند. سپهری برای خلق موقعیت در «کورالاین» تنها به مقتضیات و امکانات نمایشی صحنه‌ای متکی نبوده و توانسته پیوندی به جا و

روایی روی آورده و در نوع چپش‌های صحنه‌ای و فصل‌بندی مقاطع گوناگون داستانی، تنوعی چشم‌گیر را لحاظ کرده‌اند. برای نمونه در اواخر نمایش که در واقع نوعی گرگ‌گشایی اتفاق می‌افتد و سفر قهرمانی کورالاین برای نجات پدر و مادرش به اوج می‌رسد، موقعیت نمایشی مراحل مختلف به گونه‌ای موجز و با جذابیت‌های بصری خاصی ترتیب داده شده است. «کورالاین» در عین وفاداری به خطوط اصلی داستانی در نسخه انیمیشن که البته آن هم بر اساس داستانی مشهور نوشته نیل گیمن ساخته شده است، حاوی خلاقیت‌هایی منحصر به فرد است که در جهت مضامین اصلی متن مورد اقتباس در جهان داستانی اثر پی‌ریزی شده است. درون‌مایه‌های اخلاقی و تربیتی همچون بروز شجاعت و رویارویی با ظواهر ترسناک رخدادهای تلخ ایجاد شده در مسیر زندگی و نوع مواجهه با آن، از جمله مواردی است که احتمالا می‌تواند برای مخاطبان کودک و نوجوان اثر گذار باشد.

ضیافت کورالاین، زیست غربی ایرانی شده
نمی‌توان از «کورالاین» گفت و از چگونگی نقش‌آفرینی بازیگران در میزان موقعیت این نمایش غافل شد. گروه بازیگران این اثر در عین وفاداری به سبک و شیوه زیست غربی که مقصود نویسند با توجه به نسخه انیمیشن این نمایش بوده است، توانسته‌اند در شکل ارائه خود به نوعی تعادل بینابین دست پیدا کنند تا نتیجه نهایی به مذاق مخاطبان بیگانه با چنین فرهنگی نیز خوش آید.

«کورالاین» برای تماشاگران خود ضیافتی در خور از المان‌های جذاب روایی و بصری تدارک دیده و به همین دلیل در دور تازه اجرا نیز می‌تواند مخاطبان بسیاری را با خود همراه کند.

انیمیشن‌های موفق جهانی؛ تله با الگوی موفقیت

«کورالاین» از همان صحنه ابتدایی منطق داستانی خود را بنا می‌کند و در ادامه با طراحی موقعیت‌های خوش‌ریتم و البته متنوع، انتظارات تماشاگر را بالا می‌برد و البته آن را بی‌پاسخ نمی‌گذارد. نکته مهم دیگر فاصله گرفتن «کورالاین» از طراحی روند قصه با بیسان پراطبان و مطول است. به‌طور کلی مشتاق نگه داشتن مخاطبان کودک و نوجوان و برقراری پیوندهای ذهنی عمیق با این گروه سنی، این روزها دشوارتر از همیشه است. چراکه تماشای انیمیشن‌های موفق جهانی باعث تثبیت ناخودآگاه الگوهای روایی و بصری خاصی در ذهن او شده است. عوامل «کورالاین» با آگاهی از این موضوع، به نوعی ایجاز در طراحی موقعیت‌های

الگوی از برداوی بر صحنه وحدت

سال‌هاست که در دنیا و به خصوص در مراکز مهم تئاتر تجاری جهان همچون «برادوی»، تولید آثار اقتصادی با زمینه‌های روایی و در شمایلی فانتزی رونق بسیاری دارد. برای مثال همچنان و پس از سال‌ها آثار مهمی از گنجینه ادبیات نمایشی جهان مورد بازخوانی مجدد قرار می‌گیرد و با تغییر لحن و اتمسفر، شکل و صورتی تازه از آن ارائه می‌شود. امیدرضا سپهری در نمایش تازه خود چنین رویکردی را در پیش گرفته و اثری را به روی صحنه برده است که به صورتی مشخص حاصل مطالعه و کاوش در نمونه تئاترهای موفق و مطرح کمپانی‌های بین‌المللی در سالیان اخیر است.

امروز قرار گرفتن عباس صالحی در قابی که ترامپ، رئیس‌جمهوری کنونی آمریکا تنها دو ردیف جلوتر از او ایستاده و بایدن در ردیف پشت سری او قرار گرفته موضوع جذاب رسانه‌ها شد.



از نمایندگان ایرانی در مجامع جهانی جلب می‌شود؛ آنچه مهم و قابل تأکید است تلاش برای برقراری روابط دیپلماتیک فرهنگی است. برنامه شلوغ سفرهای وزیر فرهنگ و ارشاد در هفته نخستین ماه‌های توان در ادامه گسترش روابط دیپلماتیک ایران با جهان دانست. نقشی که فرهنگ و هنر می‌تواند در استحکام روابط از دیام‌کنونی، سیدعباس صالحی چنین نقشی را به عهده گرفته است.

با عنوان برخورد صمیمانه خوانده و تیرت اخبار شد. امروز قرار گرفتن عباس صالحی در قابی که ترامپ، رئیس‌جمهوری کنونی آمریکا تنها دو ردیف جلوتر از او ایستاده و بایدن در ردیف پشت سری او قرار گرفته موضوع جذاب رسانه‌ها شد. این توجه بدون پرسش هم نبود. یکی از سوالاتی که با انتشار خبر و دیدن تصویر حضور وزیر در مراسم پاپ مراسم در فضاهای مجازی ایران بود. چرا رئیس‌جمهوری مانند همتای پیشین خود در این مراسم شرکت نکرده است. آیا ارسال یک پیام رسمی توسط وزیر فرهنگ برای حضور در چنین مراسمی که تمام سران کشورهای مختلف را دور هم جمع کرده است، کفایت می‌کند؟

در شرایطی که حضور وزیر به تنهایی می‌توانست موضوع مورد توجه رسانه‌ها قرار بگیرد، حسین مختاری سفیر ایران در واتیکان که سیدعباس صالحی را در این مراسم همراهی می‌کرد هم تبدیل به سوزهای دیگر شد. تصاویری از مراسم در صفحات مجازی می‌چرخد که مختاری گوشی به دست در حال ثبت تصاویری از پشت سر سران کشورهای مختلف است. این روحیه تصویربرداری از هر حادثه و اتفاقی که حالا دیگر به اخلاق آشنایی برای ما ایرانی‌ها تبدیل شده، و در هر کوی و برزن مردم در حال ثبت لحظات متفاوت از زندگی‌شان هستند در یکی از مهم‌ترین مراسم‌های جهان توسط نماینده ایران تکرار می‌شود. این نکته تنها از چشم کاربران ایرانی فضای مجازی دور نماند که حتی رسانه‌های دیگر نیز به این مسئله پرداختند. با وجود حواشی‌ای که به تناسب شرایط مذاکرات ایران با آمریکا حول ایران می‌گردد و حساسیت‌هایی که به هر اتفاق و حضوری

پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه پیامی تصویری ارسال کرده و این آکادمی را گام مهمی برای پیوندهای فرهنگی منطقه اوارسیا معرفی کرده بود که منجر به توسعه صنعت سینما در منطقه خواهد شد. رئیس سازمان سینمایی هم در ادامه گسترش دیپلماسی فرهنگی با پیشنهاد به روسیه رفته بود. پیشنهاد تأسیس اتحادیه آموزش، فیلم و رسانه کشورهای بریکس. فریزراده قول برگزاری نشست این اتحادیه را همزمان با جشنواره بین‌المللی فیلم کودک و نوجوان اصفهان داده و جشنواره را خواهرخواندگی مجمع کودکان روسیه خواند.

هفته شلوغ وزارتخانه فرهنگ و هنر به این اتفاقات ختم نشد. وزیر در آخرین سفر خود برای حضور در مراسم تدفین پاپ فرانسیس به رم رفت. او که به نمایندگی از رئیس‌جمهوری در این مراسم شرکت کرده حامل پیامی از مسعود پزشکیان برای تحلیل از مواضع انسان‌دوستانه پاپ و تلاش‌های ماندگارش برای صلح، عدالت، گفت‌وگو و همزیستی میان ادیان نیز بود.

حضور سیدعباس صالحی در این مراسم مورد توجه بسیاری از رسانه‌ها قرار گرفت. گرچه این نخستین بار نیست که مقامات ایرانی در دیدار با همتای پاکستانی خود پیشنهاد گسترش روابط در حوزه گردشگری را مطرح کردند. او بهانه این پیشنهاد را گردشگری زیارتی بود که هر دو کشور چنین ظرفیتی برای طرف مقابل خواهد داشت. هر چند وزیر فرهنگ پاکستانی گردشگری را منوط به جنبه زیارتی ندانست و خواستار گردشگری فرهنگی گسترده‌تر بود. در حالی که وزیر فرهنگ و ارشاد برای گسترش روابط با کشورهای آسیایی به چین رفته بود، معاون سینمایی این وزارتخانه در جشن آغاز به کار «آکادمی علوم سینمایی» شرکت کرد. راند فریزراده با همراهی پهر روز شعبی، مدیرعامل انجمن سینمای جوانان ایران به روسیه رفتند.

وزیر در سفر دو روزه خود به هنگ‌کنگ بسته پیشنهادی متنوعی داشت. صالحی در پیشنهادی دیگر برای چین، سال ۲۰۲۶ را سال همکاری‌های فرهنگی و گردشگری ایران و چین امیدوار این ننگار را در ادامه امضای سند راهبردی ۲۵ ساله میان دو کشور دانست که سال ۱۴۰۰ و در نهایت بعد از دو سال امضا شد. همای چینی از این طرح نیز استقبال کرد تا جایی که توافق ابتدایی برای تشکیل کمیته مشترک در سطح معاونان وزارت فرهنگ انجام شد تا این طرح به زودی اجرایی شود.

گره خوردن نام ایران و چین از منظر فرهنگی به قطع و با تأکید وزیر فرهنگ، در ادامه افزایش روابط دیپلماتیکی است که بخشی از سیاست کنونی نظام جمهوری اسلامی ایران است. این ارتقاء روابط گرچه در فضای سیاسی آغاز شد اما در سایر بخش‌ها من جمله فرهنگ گسترش یافت تا تضمینی برای استحکام و عمق روابط در زمینه‌های حساس تر باشد.

صالحی همچنین با دو همتای دیگر خود در حاشیه این مجمع دیدار کرد. عباس صالحی در دیدار با همتای پاکستانی خود پیشنهاد گسترش روابط در حوزه گردشگری را مطرح کرد. او بهانه این پیشنهاد را گردشگری زیارتی بود که هر دو کشور چنین ظرفیتی برای طرف مقابل خواهد داشت. هر چند وزیر فرهنگ پاکستانی گردشگری را منوط به جنبه زیارتی ندانست و خواستار گردشگری فرهنگی گسترده‌تر بود.

در حالی که وزیر فرهنگ و ارشاد برای گسترش روابط با کشورهای آسیایی به چین رفته بود، معاون سینمایی این وزارتخانه در جشن آغاز به کار «آکادمی علوم سینمایی» شرکت کرد. راند فریزراده با همراهی پهر روز شعبی، مدیرعامل انجمن سینمای جوانان ایران به روسیه رفتند.

اردیبهشت آغاز سفرهای جهانی روسای وزارت فرهنگ و ارشاد بود. وزیر فرهنگ و ارشاد ماه شلوغ و پر سفری را آغاز کرد. او ابتدای ماه با حضور در مجمع همکاری‌های فرهنگی آسیا در هنگ‌کنگ با سه همتای خود دیدار کرد.

سیدعباس صالحی با پیشنهاد بزرگی به این مجمع رفت. وزیر فرهنگ و ارشاد با توجه به هدف این مجمع که افزایش تبادل‌ات فرهنگی میان کشورهای آسیایی است، برگزاری جشنواره فیلم آسیای شرقی را آغازی برای همکاری در میان ملت‌های آسیایی دانست که گامی در جهت تغییر ساختار تک‌قطبی جهان به نظام چندقطبی با محوریت آسیا خواهد بود. او حتی اعلام آمادگی وزارت فرهنگ و ارشاد ایران برای برگزاری نخستین دوره این جشنواره را نیز مطرح کرد.

این پیشنهاد با استقبال مقامات هنگ‌کنگی و برگزاری نخستین دوره جشنواره فیلم‌های آسیایی در ایران، جشنواره‌ای تازه به دست بلندبالای جشنواره‌های سینمایی ایران اضافه خواهد شد. در شرایطی ما میزبان یک جشنواره بین‌المللی خواهیم بود که خود در برگزاری جشنواره بین‌المللی فیلم فجر دچار خلایب بزرگ هستیم. از تعطیلی مقطعی جشنواره بین‌المللی تا محدودیت‌های دورهای که با تغییر مدیریت و حتی تصمیم به حذف جشنواره ضربه به بدنه این جریان زد. جریانی که بدون شناخت مدیریت کلان نسبت به فضای برگزاری یک جشنواره بین‌المللی معتبر آغاز به کار کرده بود و با مداومت و تلاش بسیار توانست خود را در مسیر فستیوال‌های جهان قرار دهد. هر چند در ابتدای مسیر و با فاصله معناداری قرار داشت.

ابتکارات ایران در مجامع فرهنگی

دیپلماسی فرهنگی

مأموریت تازه وزیر ارشاد

- وزیر فرهنگ به نمایندگی از رئیس‌جمهور در مراسم تدفین پاپ فرانسیس در رم شرکت کرد
- تصویربرداری حسین مختاری، سفیر ایران در واتیکان از مراسم خاکسپاری پاپ با واکنش منفی مواجه شد



این جا ببینید





ویچر ۳: شکار وحشیانه

افسانه‌ای که جاودانه شد



از مرداب‌های مه‌آلود تا قلعه‌های برفی

از نبردهای خونین تا تصمیمات اخلاقی شکننده

The Witcher 3 جهانی را خلق کرد که زیستن در آن،

فراموش نشدنی است.

ملک میر مهدی

هفت صبح

شخصیت ترسیم کرد و ثابت کرد که یک بازی می‌تواند به هنری بی‌زمان و تجربه‌ای انسانی بدل شود. اینجاست که بازی معمولی نیست؛ سخن از خلق دنیایی است که در آن زیستن، جنگیدن، عشق ورزیدن و انتخاب کردن، به خاطره‌ای ابدی در ذهن بازیگر بدل می‌شود.

تولد یک اسطوره

در دنیای بازی‌های ویدیویی، برخی آثار همچون شهاب‌هایی در آسمان می‌درخشند و سپس خاموش می‌شوند. اما بعضی دیگر، چونان ستارگان قطبی، مسیری برای دیگران می‌گشایند و نامشان در حافظه تاریخ ماندگار می‌شود. The Witcher 3: Wild Hunt دقیقاً چنین جایگاهی دارد؛ شاهکاری که هم تجربه‌ای فراموش‌نشدنی را به بازیکنان هدیه داده و هم استاندارد نو برای دنیای بازی‌های نقش‌آفرینی تعیین کرده‌است. منتشر شده در سال ۲۰۱۵ توسط استودیوی لهستانی CDProjektRed، ویچر ۳ بی‌درنگ به نماد کیفیت، داستان‌سرایی و جاه‌طلبی هنری در صنعت بازی‌های ویدیویی بدل شد. این بازی با الهام از رمان‌های فانتزی «آندری ساپکوفسکی» موفق شد دنیایی خلق کند که فراتر از مرزهای جادو و شمشیر، به سرزمین تضادهای اخلاقی و انتخاب‌های سخت قدم بگذارد.

رود به دنیای ویچر، جایی که زندگی می‌جوشد

اولین چیزی که در برخورد با ویچر ۳ شما را مجذوب می‌کند، عظمت و پویایی دنیای آن است. ولولان، نوویگراد، اسکلکه و دیگر مناطق بازی، هر کدام با فرهنگ، جغرافیا و مردمانی منحصر به فرد جان گرفته‌اند. این یک دنیای واقعی است، نه یک صحنه تزئینی. کشاورزان در زمین‌هایشان کار می‌کنند، بازرگانان فریاد می‌زنند، سربازان مست می‌کنند و گرگ‌ها در تاریکی شب زوزه می‌کشند. سیستم آب‌وهوای پویا و چرخه شبانه‌روزی چنان تاثیرگذاری دارد که حتی یک طلوع ساده یا طوفان ناگهانی احساسات بازیکن را به شدت تحت تاثیر قرار می‌دهد. مهم‌تر از همه، دنیای ویچر ۳ پاسخی منطقی به اعمال شما می‌دهد؛ تصمیماتان در مأموریت‌ها سر نوشت شهرها، روستاها و حتی اقلیم‌ها را تغییر می‌دهند.

میراث ویچر ۳: تأثیری فراتر از صنعت بازی

The Witcher 3 به عنوان یکی از برترین بازی‌های تاریخ شناخته می‌شود و علاوه بر آن تأثیر عمیقی بر فرهنگ عامه و آینده صنعت بازی گذاشته‌است. بسیاری از بازی‌های نقش‌آفرینی پس از ویچر، از مدل‌روایی آن الگو گرفتند و تمرکز بیشتری بر انتخاب‌های اخلاقی و داستان‌های چندشاخه‌ای کردند. موفقیت ویچر ۳ باعث شد ادبیات آندری ساپکوفسکی بار دیگر مورد توجه قرار گیرد و اقتباس‌های تلویزیونی نظیر سریال The Witcher از نتفلیکس ساخته شود. CDProjektRed، استودیوی که با بودجه محدود کار خود را آغاز کرد، به یکی از غول‌های صنعت بازی تبدیل شد و استانداردهای تازه‌ای برای ارتباط با جامعه بازیکنان بنا نهاد. مهم‌تر از همه، ویچر ۳ به ما یادآوری کرد که بازی‌های ویدیویی می‌توانند شکل والایی از هنر باشند؛ هنری که داستان می‌گوید، احساسات برمی‌انگیزد و جهانی زنده می‌آفریند.

گرالت، قهرمانی خاکستری

در مرکز این جهان پر آشوب، شخصیتی ایستاده که با قهرمانان کلاسیک بسیار متفاوت است: گرالت اهل ریویا. او ویچری است؛ شکارچی هیولاهایی که در کودکی تحت آزمایش‌های جادویی قرار گرفته و توانایی‌هایی فراتر از انسان یافته، اما بخشی از انسانیت خود را نیز از دست داده‌است. گرالت شمشیری در دست دارد و خونی سرد در رگ‌ها، اما قلبی زخمی در سینه. او قهرمانی نیست که به دنبال نجات دنیا باشد؛ او در پی زنده ماندن، حفظ عز و زنش و گاه، جستجوی معنایی در جهانی بی‌رحم است. ویچر ۳ شما را با انتخاب‌هایی مواجه می‌کند که پاسخ درستی برایشان وجود ندارد. در این دنیا، گاه خیر و شر به هم گره خورده‌اند و هر انتخاب، بهای سنگینی دارد. همین روایت خاکستری است که گرالت و دنیاپش را چنان باورپذیر و تاثیرگذار می‌کند.

شاهکاری که افسانه شد

Wild Hunt: The Witcher 3 تجربه‌ای است که در حافظه هر کسی که پای به دنیاپش گذاشته، جاودانه می‌شود. دنیایی وسیع و زنده، داستان‌هایی انسانی و خاکستری، شخصیتی فراموش‌نشدنی چون گرالت، مبارزاتی چالش‌برانگیز، موسیقی جادویی و هنری در اوج کمال. اگر بخواهیم تنها یک بازی را برای نمایندگی از قدرت قصه‌گویی در دنیای دیجیتال انتخاب کنیم، بدون شک ویچر ۳ یکی از شایسته‌ترین گزینه‌ها خواهد بود.

شاید از ماندگاری این بازی در یک چیز خلاصه شود:

ینگه و ویچر ۳ ما را فقط برای بازی کردن دعوت نکرد،

بلکه برای زیستن در دنیایی که می‌توانیم عشق

پور زیم، خیانت کنیم، بجنگیم، ببخشیم و در نهایت...

تصمیم بگیریم.

داستان اصلی، تعقیب و گریز در میانه آشوب

خط داستانی اصلی ویچر ۳ حول جستجوی گرالت برای یافتن سیری، دختر خوانده‌اش می‌چرخد؛ دختری که قدرتی جادویی درونش نهفته و هدف گروهی اسرارآمیز به نام Wild Hunt قرار گرفته‌است. اما ویچر ۳ با هنر بی‌نظیری، خط اصلی را با ده‌ها قصه فرعی در هم می‌آمیزد؛ قصه‌هایی که هر کدام رنگ، عمق و احساس خاصی خود را دارند. از درگیری‌های سیاسی خونین در نوویگراد گرفته تا نرازدی‌های عاشقانه در گوشه‌ای از اسکلکه، بازی جهان خود را با لایه‌های داستانی غنی و متنوع آراسته‌است. بازی به شما اجازه می‌دهد مسیری شخصی برای گرالت بسازید؛ مسیری که انتخاب‌های شما در آن معنای واقعی دارند و پایان‌های متفاوتی را رقم می‌زنند.

مأموریت‌های جانبی، دنیایی از قصه‌های کوچک

ویچر ۳ در طراحی مأموریت‌های جانبی، استاندارد ی نو بنا نهاد. برخلاف بسیاری از بازی‌های هم‌عصر که مأموریت‌های جانبی تنها وسیله‌ای برای پر کردن نقشه بودند، در ویچر ۳ هر مأموریت قصه‌ای درون خود دارد. شاید در جستجوی یک شوهر گمشده به رازی سیاه و خونین برسید، یا با کمک یک کودک زندگی یک جامعه کوچک را تغییر دهید. حتی قرارداد‌های شکار هیولا، که ممکن است در ظاهر ساده به نظر برسند، اغلب با داستان‌های تراژیک، پیچیده و غیرمنتظره همراه می‌شوند. این مأموریت‌ها علاوه بر آنکه زمان بازی را افزایش می‌دهند، جان جهان ویچر را نیز به تصویر می‌کشند و حس زندگی جاری را به بازیکن القا می‌کنند.

بسته‌های

الحاقی:

دو افسانه

مستقل

در دنیایی که بسیاری از بسته‌های الحاقی تنها چند ساعت محتوای اضافه ارائه می‌دهند، Hearts of Stone و Blood and Wine به معنای واقعی کلمه، دوبازی جدید در قالب DLC هستند.

Hearts of Stone

در این بسته الحاقی، گرالت با یکی از پیچیده‌ترین و خطرناک‌ترین آنتاگونیست‌های دنیای ویچر روبه‌رو می‌شود: گائوتر اودیم، موجودی شیطانی و مرموز. داستانی درباره قرار دادهای شوم، عشق گمشده و معامله با شیطان که در قالبی تاریک و تاثیرگذار روایت می‌شود.

Blood and Wine

این بسته ویچر ۳ را به سرزمینی تازه به نام توسان می‌برد؛ جایی رنگارنگ، شاداب و پر از رمز و راز. Blood and Wine تنها بی‌بی بیش از ۳۰ ساعت محتوای جدید دارد، با داستانی مستقل، منطقه‌ای کاملاً جدید و تغییراتی چشمگیر در سیستم گیم‌پلی. باز حمله‌ها بازاری کامل سیستم‌بهارت‌ها. توسان در عین زیبایی‌های ظاهری، تاریکی‌های پنهانی در دل خود دارد که با پیشروی داستان به شکلی تکان‌دهنده آشکار می‌شود. هر دو بسته الحاقی، با داستان‌هایی عمیق و طراحی هنری فوق‌العاده، تجربه ویچر را به اوج تازه‌ی برند و پایانی باشکوه برای سفر گرالت رقم می‌زنند.

موسیقی و صداگذاری:

جادویی که در گوش جاری می‌شود

موسیقی ویچر ۳ بی‌هیچ تردیدی یکی از نقاط اوج بازی است.

مارسین پرز بیوویچ و میکولای استروینسکی، آهنگسازان بازی، با ترکیبی از سازهای سنتی اروپای شرقی، نغمه‌هایی خلق کرده‌اند که هم‌زمان حس کهنگی، غم، حماسه و رمز آلودگی را منتقل می‌کنند. از آوازهای روستایی گرفته تا تم‌های حماسی نبرد، موسیقی در هر لحظه با فضا هماهنگ است و عواطف بازیکن را هدایت می‌کند. قطعه‌هایی مانند «Ladies of the Woods» یا «Steel for Humans» هم در هنگام بازی و هم سال‌ها بعد در حافظه شنیداری بازیکنان باقی می‌ماند.

گرافیک و طراحی هنری، نقاشی‌ای که زنده شده

زمانی که The Witcher 3 منتشر شد، از همان آغاز تحسین‌ها را به خاطر کیفیت گرافیکی خیره‌کننده‌اش درو کرد. هر گوشه از نقشه بازی، با وسواس و عشق طراحی شده؛ از مرداب‌های مه‌آلود و روستاهای متروک ولن تا دشت‌های طلایی و کوهستان‌های برفی اسکلکه. سیستم نورپردازی پویا در کنار آب‌وهوای متغیر باعث می‌شود هر لحظه بازی ظاهری تازه و زنده داشته باشد. بارانی که ناگهان آغاز می‌شود، مهی که صبحگاهی بر فراز دریاچه‌ها می‌نشیند یا آفتابی که از لابه‌لای ابرهای پاره می‌تابد، همه نه فقط جلوه‌های بصری، که بخشی از روح و اتمسفر بازی‌اند. طراحی چهره‌ها، لباس‌ها، موجودات افسانه‌ای و معماری مناطق مختلف نیز با دقت بی‌نظیری انجام شده، تا جایی که هر منطقه از دیگری کاملاً متمایز است و حس کاوشگری را در بازیکن بیدار می‌کند. سال‌ها پس از انتشار، ویچر ۳ با نسخه بازسازی گرافیکی نسل جدید (Next-Gen Update)، نشان داد که همچنان می‌تواند استانداردهای بصری بالایی را حفظ کند.

خبر بازی

موج تازه تعدیل نیروها در متا به بخش واقعیت مجازی رسید

تعدیل بی‌رحمانه



در ادامه موج گسترده تعدیل نیروها، شرکت متا این بار بیش از ۱۰۰ کارمند خود را در بخش Reality Labs واقعیت مجازی (VR) و واقعیت افزوده (AR)، اخراج کرده‌است. این اقدام، تیم‌هایی از جمله Oculus Studios مسئول تولید بازی برای هدست‌های Quest و بخشی از کارکنان سخت‌افزار تحت تاثیر قرار داده‌است.

خبر تعدیل‌ها نخستین بار توسط The Verge منتشر شد و اندکی بعد Bloomberg نیز تایید کرد که بیش از ۱۰۰ نفر از شغل خود کنار گذاشته شده‌اند. در بیانیه‌ای رسمی، سخنگوی متا تریسی کلیتون اعلام کرد این تغییرات ساختاری با هدف «افزایش کارایی استودیوها در ساخت تجربه‌های آینده واقعیت ترکیبی» انجام شده‌است. با این حال، متا از ارائه جزئیات بیشتر درباره اخراج‌های سایر بخش‌ها خودداری کرد.

از جمله تیم‌های آسیب‌دیده می‌توان به تیم توسعه Supernatural اپلیکیشن تناسب اندام Meta Quest ۲ به ارزش ۴۰۰ میلیون دلار خریداری کرده بود اشاره کرد. این تیم در بیانیه‌ای در فیسبوک، از دست دادن «برخی از اعضای با استعداد خود» را «عمیقاً ناراحت‌کننده» توصیف کرد. با وجود این اخراج‌ها، متا اعلام کرده‌است که همچنان به سرمایه‌گذاری در تجربه‌های واقعیت ترکیبی، از جمله بازی‌ها و برنامه‌های تناسب اندام، متعهد است و تلاش برای ارتقا جامعه‌های Quest و Supernatural ادامه خواهد داشت.

این جدیدترین موج تعدیل در متا در حالی رخ می‌دهد که این شرکت در سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ بیش از ۲۰ هزار شغل را حذف کرده بود. استودیوی Ready at Dawn خالق عنوان تحسین‌شده Lone Echo که در سال ۲۰۲۰ توسط متا خریداری شده بود نیز سال گذشته در پی این روند تعطیل شد.

بازی پازلی PANIK معرفی شد؛

مأموریتی برای نجات موجودات عصبی



استودیو سازنده بازی‌های مستقل با معرفی رسمی بازی PANIK، تجربه‌ای تازه و خلاقانه در ژانر پازل را به بازیکنان پیشنهاد داده‌است. در این بازی جذاب، کاربران باید به موجودات دوبعدی مضطرب به نام Panikers کمک کنند تا بر ترس‌های خود غلبه کرده و حرکت کنند.

PANIK بر پایه ایده‌ای ساده اما مؤثر بنا شده‌است: هر Paniker به دلیل اضطراب زیاد قادر به حرکت نیست و این وظیفه بازیکن است که با نزدیک شدن به آنها و آرام کردنشان، شرایط حرکت را برایشان فراهم کند. بازی در محیطی ایزومتریک با طراحی مربعی و ساده اما چشم‌نواز جریان دارد. مکانیزم‌های بازی به صورت زنجیره‌ای عمل می‌کنند؛ بدین معنا که آرام کردن یک Paniker می‌تواند اثر دومینویی بر اطرافیان داشته باشد. بازیکن باید با هدایت این موجودات آرام شده به خانه‌های مشخص شده در نقشه، مراحل را به اتمام برساند. طبق اطلاعات منتشر شده، هر موجود جدید مکانیک تازه‌ای به بازی اضافه می‌کند و این روند باعث می‌شود که هر مرحله چالشی نوین داشته باشد. PANIK بیش از ۱۰۰ مرحله دارد و به نظر می‌رسد طرفداران بازی‌های فکری، محتوای زیادی برای سرگرم شدن پیش رو خواهند داشت.

در حال حاضر، PANIK تاریخ انتشار دقیقی ندارد، اما کاربران می‌توانند آن را در Steam به فهرست علاقه‌مندی‌های خود اضافه کنند. همچنین نسخه ابتدایی و قابل بازی این عنوان از طریق itch.io در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته‌است. با معرفی PANIK، به نظر می‌رسد شاهد یکی دیگر از بازی‌های مستقل خلاقانه‌ای خواهیم بود که می‌تواند در میان آثار پازلی امسال بدرخشد.

بازی جدید Firebreak.FBC، منتشر می‌شود



استودیو نام‌آشنای Remedy Entertainment تاریخ انتشار رسمی بازی تیراندازی همکاری‌محور جدید خود با نام FBC: Firebreak را اعلام کرد. این عنوان در تاریخ ۱۷ ژوئن ۲۰۲۵ برای پلتفرم‌های Steam و Epic Games Store با قیمت ۳۹.۹۹ دلار عرضه خواهد شد. همچنین این بازی در همان روز اول بر روی یکی از سرویس‌های اشتراک بازی در دسترس قرار خواهد گرفت. FBC: Firebreak در دنیای داستانی مشترک بازی‌های موفق Control و Alan Wake جریان دارد. بازی در اداره فدرال کنترل (Federal Bureau of Control) روایت می‌شود و بازیکنان در قالب مأموران این سازمان، مأموریت‌هایی با نام «Jobs» را که به صورت تکرار شونده طراحی شده‌اند، انجام خواهند داد. Remedy وعده داده‌است که این مأموریت‌ها ترکیبی از اکشن سریع، روایت مرموز و طراحی محیط‌های پیچیده خواهند بود. این بازی نخستین تجربه Remedy در زمینه توسعه یک عنوان لایو سرویس به شمار می‌رود.

۴۲۰هزار سال عمر از دست رفته زودرس به دلیل آلودگی هوا در ایران

از نفس افتاده

● غلظت برخی آلاینده‌ها در کلانشهرهای ایران ۳ برابر بیشتر از استانداردهاست

عضو هیات علمی موسسه تحقیقات جمعیت کشور با بیان اینکه آلودگی هوا به خطری جدی برای سلامت و اقتصاد بدل شده است، با استناد به داده‌های سال ۱۴۰۰، گفت: آلودگی هوا جان ۵۱ هزار ایرانی را گرفته، امید زندگی را برای زنان و مردان به‌ترتیب ۱۰۴ و ۱۰۷ سال کاهش داده و منجر به از دست رفتن بیش از ۴۱۴ هزار سال عمر مفید افراد در کشور شده؛ این در حالیست که بار اقتصادی واجتماعی این مرگ‌های خاموش، نه‌تنها سلامت عمومی بلکه بهره‌وری نیروی کار را نیز به‌شدت تحت تأثیر قرار داده است.

دکتر محمد ساسانی‌پور با اشاره به آلودگی هوا و پیامدهای زیان‌بار آن، به عنوان یکی از ملموس‌ترین معضلات محیط زیستی در بیشتر کشورهای جهان، به ایسنا گفت: مطابق آمار ارائه شده توسط مطالعه جهانی بیماری‌ها، آلودگی هوای آزاد پس از فشار خون بالا، دومین عامل خطر مرگ‌ومیر در جهان بوده، به طوری که فقط در سال ۲۰۲۱ منجر به مرگ بیش از ۸ میلیون نفر و از دست دادن ۲۱۶ میلیون سال زندگی از دست رفته زودرس در جهان شده است.

● ۸ میلیون قربانی در سال ساسانی‌پور با اشاره به اینکه آلودگی هوای انسانی

تحلیل جامعه شناختی از مافیا؛ بازی جذابی که چهره جامعه امروز را بازتاب می‌دهد

نقاب دروغ

ساختار قدرت در بازی مافیا نماد زندگی انسان معاصر در عصر شتاب و رقابت است

مینا اینانلو



یکی از بازی‌های نوظهور که در میان جوانان رواج یافته، بازی مافیا است. مافیا، نوعی بازی گروهی و استدلالی با اغراضی بیشتر از پنج نفر است که در آن هر یک از اعضا نقشی را عهده‌دار می‌شوند و بازیکنان در قالب دو گروه مافیا و شهروند رقابت می‌کنند.

در خصوص این بازی باید گفت که در ابتدا برای تحقیقات روانشناسی ساخته و بعد از آن به یک بازی مهمانی تبدیل شده‌است. خالق این بازی، دانشجوی روانشناسی «دیمیتری دیودیف» بود که اولین بازی را در بهار سال ۱۹۸۷ در گروه روانشناسی دانشگاه دولتی مسکو برگزار کرد. سپس این بازی در کلاس‌های درس، خولگاه‌ها و کمپ‌های تابستانی دانشگاه مسکو گسترش یافت و بعد از آن در سراسر جهان محبوبیت پیدا کرد. امروزه در ایران نیز شاهد محبوبیت و فراگیر شدن این بازی در محافل مختلف هستیم. کافه‌ها و کافه‌بازی‌ها در پوسترهای تبلیغاتی برای معرفی مجموعه بازی‌ها به بازی مافیا نیز اشاره می‌کنند. برخی از کافه‌دارها خود تشکیل تیم می‌دهند و برخی از افراد خود با تیم‌سازی می‌توانند با هماهنگی قبلی در محل بازی کنند. همچنین مشاهدات میدانی نشان می‌دهد که بازی مافیا هم زمان با پخش رسمی این بازی در برنامه‌های تلویزیونی مثل شبکه سلامت و شبکه‌های پخش خانگی به کارگردانی سعید ابوطالب رواج پیدا کرد و با حضور و اجرای بازیگران به شهرت بیشتری دست یافت. با این حال آنچه ایسن را به یک بازی خاص در میان افراد (نوجوانان، جوانان و میانسالان) تبدیل کرده، این است که به نظر می‌رسد میان عناصر سیاسی اجتماعی در بازی و زندگی واقعی هم‌پوشانی وجود دارد. از این رو ممکن است هر یک بازی کنندگان از نقش‌ها و کنش‌های این بازی تفسیر و درکی خاص داشته باشند. به همین خاطر، «سید حسن قاسمی» و همکارانش در مطالعه‌ای تحت عنوان «مطالعه مردم‌نگارانه تفسیر جوانان از بازی مافیا» به این موضوع توجه کرده

● انگاره‌هایی از جامعه

یکی دیگر از مقولاتی که حسنی و همکارانش در این مطالعه به آن دست یافتند، وجود انگار هماییی از جامعه در بازی مافیا بود. به این صورت که گروهی مافیا را از منظر شکل چپنش شبیه ساختار جامعه و نقش‌ها و کنش‌های تعریف شده در آن می‌دانند. در این نوع نگاه حتی نوع مکالماتی که در

بازی مافیا شکل می‌گیرد، مشابه کلماتی است که در زندگی واقعی برای قانع کردن یکدیگر داریم. به بیانی، بازی زندگی همان بازی مافیا تعریف می‌شود اما برای افرادی که بازی مافیا را در دسته فعالیت‌های سرگرمی قرار می‌دهند و جزو وی کنندگان حرفه‌ای و جدی بازی هستند، فضای بازی از تفکیک شده است. از آنجا که

نقش بازی یکی از تیم‌ها نقش‌های مافیایی‌سی است، دروغ و وارونه کردن واقعیت بخشی از قواعد بازی است. به صورتی که شهروندنمایی اساس کاری است که تمام اعضا باید انجام دهند. در هر دور از بازی، نقش‌های بین افراد می‌چرخد، به همین دلیل هر کس فرصت تجربه چنین نقشی را پیدا می‌کند. از اعضا تیم مافیا کسی که بهتر دروغ گوید و اذهان را گول بزند در گروه خود موفق‌تر عمل می‌کند.

● مافیا تصعید واقعیت

یکی دیگر از مضامین به‌دست آمده از تحلیل مصاحبه‌های این مطالعه، امکان تصعید واقعیت در بازی مافیا است. در واقع، بازی‌ها به دلیل ساختن فضایی جدا از زندگی واقعی امکانی برای فراموشی واقعیات زندگی و مصائب آن فراهم می‌کنند. بازی کنندگان بخشی از محبوبیت بازی را به فرصت فراموشی مشکلات ناشی از زندگی در ایران نسبت می‌دهند. همچنین از دیگر مواردی که بازی مافیا را به فراموشی واقعیت نزدیک می‌کند، ایجاد فضایی برای یک امکان است. اینکه فارغ از نقش‌های واقعی خود در زندگی در شرایط متعادلی قرار گیرند و از فضای متعارض و نابرابر زندگی واقعی جدا شوند. آن نقش‌ها در لحظات بازی فراموش می‌شوند و جای خود را به نقش‌های جدید و یک هویت تازه مثل پلیر بودن می‌دهند. تنها چیزی که در بازی اهمیت پیدا می‌کند، قواعد و شرایط بازی است و هدف مشترک آن تلاش برای برد است.

● خانواده محوری

از دیگر مقولات اشاره شده در اینن مطالعه مقوله «خانواده محوری» است. به طور کلی بازی‌ها میان بازی کنندگان و تماشاگران احساس تعلق و نزدیکی ایجاد می‌کنند. به این واسطه گروه‌ها جدیدی با پیوندهایی شبیه پیوندهای خانوادگی شکل می‌گیرد و هویت تازه‌ای برای افراد می‌سازد. این حالت به احساسی مانند است که هواداران یک تیم فوتبالی می‌توانند نسبت به تیمشان داشته باشند. این گروه‌های بازی توان ایجاد روابط تازه و گسترده را دارند با این حال سطح توقع کسانی که در این فضاها مشارکت فعال دارند، به نسبت ارتباط آنها با دوستان خارج از بازی تغییر می‌کند.

جامعه

| روزنامه صبح ایران | سال پانزدهم | شماره ۲۰۲۵ | یکشنبه | ۷ اردیبهشت | ۱۴۰۴ |



● عامل ۱۲ درصد مرگ و میر مردان وزنان

ساسانی‌پور خاطر نشان کرد: براساس به‌روزترین داده‌های مطالعه جهانی بار بیماری‌ها، ۵۱ هزار مورد از کل مرگ و میر رخ داده در کشور در سال ۱۴۰۰، منتسب به آلودگی هوا است. از این تعداد، حدود ۲۸ هزار مرگ مربوط به مردان است؛ به این معنی که ۵۵٫۵ درصد مرگ‌های ناشی از آلودگی هوا در مردان و ۴۵ درصد در زنان رخ داده است، میزان مرگ ناشی از آلودگی هوا در کشور ۶۰ در ۱۰۰ هزار نفر جمعیت محاسبه شده است. همچنین آلودگی هوا، عامل ۱۲ درصد از کل مرگ و میر مردان و زنان کشور در سال ۱۴۰۰ بوده است.

● الگوی سنی مرگ ناشی از آلودگی هوا این عضو هیات علمی موسسه تحقیقات جمعیت کشور با اشاره به الگوی سنی مرگ ناشی از آلودگی هوا مردان و زنان، گفت: به ترتیب، ۲۳٫۵ درصد و ۲۲٫۳ درصد از مرگ و میر ناشی از بیماری‌های قلبی و عروقی در مردان و زنان کشور در سال ۱۴۰۰ ناشی از آلودگی هوا بوده است. همچنین ۳۱ درصد از مرگ‌های ناشی از بیماری‌های تنفسی مزمن، حدود ۱۰ درصد از مرگ

● نمادانسان عصر جدید

نماد انسان عصر جدید مقوله دیگری است که براساس تحلیل و تفسیر گفت‌وگوها از شرکت کنندگان بازی مافیا در این مطالعه به‌دست آمده‌است. بر طبق این مقوله، آنچه نقش‌ها و کنش‌های موجود در بازی را همسو با زندگی واقعی می‌کند، نزدیکی آن به وضعیت زندگی انسان معاصر است. وقتی از ابتدا نقشی به شما اطلاق می‌شود، فارغ از اینکه آن نقش خوب باشد یا بد، باید تا انتها آن را بازی کرد. در اینجا فرصتی برای تغییر نقش و رویکرد تعاملات پیدا نمی‌شود. در این دیدگاه این تصور وجود دارد که چپنش نقش‌ها به گونه‌ای است که فرد در هر صورت به یک هژمونی می‌بازد و تا حدی با رضایت آن را انجام می‌دهد. در چنین ساختاری، هدف اصلی برد و زود به هدف رسیدن است. این هدف استفاده از هر ابزاری را برای ضمانت بقا و تسلط گروه خود توجیه می‌کند. اعم از فریب، تحمیل نظر، خودخواهی، بی‌تفاوتی نسبت به دیگران، زرب‌آب زدن، تقلب و راحت طلبی به همین دلیل، بازی مافیا بازنمایی از وضعیت انسان معاصر است که در شتاب تحمیلی عصر جدید از هر ابزاری برای رسیدن به هدف خود استفاده می‌کند. این شتاب با بی‌توجهی به منافع گروه‌ها و خیر عمومی تنها منافع خاص گروه مسلط را دنبال می‌کند و در این راستا اقلیت‌ها، جایی برای حضور پیدا نمی‌کنند و گویی آزاد اما بیگانه و رها شده هستند.

● بازیگردان؛ مجری حاکمیت کاریزماتیک در شهر

حسنی و همکارانش در مطالعه حاضر به نقش بازیگردان در مافیا نیز پرداخته‌اند و براساس تفسیر نظر مشارکت کنندگان دو دیدگاه متفاوت از جایگاه بازیگردان را مورد توجه قرار داده‌اند.

بازی مافیا؛ دنیایی کوچک از کشمکش‌های بزرگ مافیا نه تنها بازی گروهی و سرگرمی‌ای پر کنشش است بلکه بازتابی از روابط اجتماعی، سیاست و روانشناسی انسان‌هاست. در این بازی هر نقش، از مافیای حيله‌گر تا شهروندان بی‌گناه، تصویری از واقعیت‌های زندگی اجتماعی را نمایش می‌دهد؛ از دروغ‌های مصلحتی تا تلاش برای عدالت. بنابر این مافیا دنیایی کوچک از کشمکش‌های بزرگ انسانی است.

ایرانی ۵ سال بیشتر از مردان عمر می‌کنند. از سوی دیگر، با حذف مرگ‌های ناشی از آلودگی هوا در سطح مردان، شاخص امید زندگی در بدو تولد به ۷۳٫۸ سال افزایش می‌یابد. بنابراین این می‌توان گفت که آلودگی هوا باعث کاهش ۱٫۸ سال در شاخص امید زندگی در بدو تولد مردان ایرانی در سال ۱۴۰۰ شده است.

● ۴۲۰ هزار سال عمر از دست رفته وی بیان کرد: در سال ۱۴۰۰ حدود ۴۲۰ هزار سال عمر از دست رفته زودرس ناشی از مرگ‌های منتسب به آلودگی هوا در کشور رخ داده است که از این تعداد ۲۶۶ هزار سال آن مربوط به مردان کشور است؛ این بدین معنی است که نسبت جنسی سال‌های عمر از دست رفته زودرس ناشی از این عامل مرگ ۱٫۸ است. میزان سال‌های عمر از دست رفته زودرس ناشی از آلودگی هوا در کشور برای مردان و زنان به ترتیب ۶۳۰ و ۳۶۰ در ۱۰۰ هزار نفر جمعیت محاسبه شده است. این ارقام نشان می‌دهد که هم در سطح مردان و هم زنان، ۸٫۵ درصد از کل سال‌های عمر از دست رفته زودرس ناشی از مرگ‌ها به علت آلودگی هواست.

ساسانی‌پور یادآور شد: هرم سنی سال‌های عمر از دست رفته زودرس ناشی از آلودگی هوا در کشور نیز بیانگر این است که بیشترین سال‌های عمر از دست رفته در هر دو جنس، مربوط به سنین زیر ۵ سال است. مقدار این شاخص در سنین بعدی تا سن ۲۵ سالگی ناچیز است. از ۲۵ سالگی و با افزایش سن، تعداد سال‌های عمر از دست رفته به شدت افزایش می‌یابد تا اینکه در سنین اوایل سالمندی به اوج خود می‌رسد. همچنین، تفاوت قابل توجهی در ارقام این شاخص تقریباً در تمامی سنین (به جز ۵ تا ۲۴ سالگی) بین زنان و مردان وجود دارد و تعداد سال‌های عمر از دست رفته زودرس ناشی از آلودگی هوا در مردان به مراتب بیشتر از زنان است که احتمالاً به دلیل مشارکت بالاتر مردان در بازار نیروی کار و حضور طولانی‌مدت‌تر آنان در محیط‌های آلوده است. تفاوت جنسی مشاهده شده در سال‌های عمر از دست رفته باقی‌مانده، بنابر این، با فرض نبود مرگ‌های ناشی از آلودگی هوا، امید زندگی زنان ایرانی به ۷۸٫۷ سال افزایش می‌یابد. این ارقام نشان می‌دهد که مرگ‌های ناشی از آلودگی هوا باعث کاهش ۱٫۵ سال از امید زندگی در بدو تولد زنان ایرانی در سال ۱۴۰۰ شده است.

● نقش آلودگی هوا در کاهش شاخص امید زندگی این جمعیت‌شناس ادامه داد: شاخص امید زندگی در بدو تولد و در ۶۰ سالگی برای مردان ۷۲ سال و ۱۸ سال بوده است که مقایسه این رقم با شاخص امید زندگی در بدو تولد زنان کشور نشان می‌دهد که در سال مورد مطالعه زنان معمولاً کسی است که اهداف، سناریوها، نقش‌ها، کنش‌ها و قواعد بازی را معرفی می‌کند. او نظارت و داوری بازی را بر عهده دارد و به نام‌های مختلف اینای نقش می‌کند. او تنها فرد آگاه بازی است که به روند بازی و اقدامات افراد واقف است. با این حال اگر گرداننده خارج از نقش گردانندگی با یک جمع آشنا بخواهد در یکی از دست‌ها بازی کند، به گفته تجارب افراد، همه آن افراد تلاش خواهند کرد که به او سخت بگیرند. چا به جا شدن نقش گرداننده در بازیکنان، چیزی شبیه چرخه انتقام در رابطه راباب- بردگی است.

یک اینکه بازیگران معمولاً کسی است که اهداف، سناریوها، نقش‌ها، کنش‌ها و قواعد بازی را معرفی می‌کند. او نظارت و داوری بازی را بر عهده دارد و به نام‌های مختلف اینای نقش می‌کند. او تنها فرد آگاه بازی است که به روند بازی و اقدامات افراد واقف است. با این حال اگر گرداننده خارج از نقش گردانندگی با یک جمع آشنا بخواهد در یکی از دست‌ها بازی کند، به گفته تجارب افراد، همه آن افراد تلاش خواهند کرد که به او سخت بگیرند. چا به جا شدن نقش گرداننده در بازیکنان، چیزی شبیه چرخه انتقام در رابطه راباب- بردگی است.

دوم اینکه به عقیده عده‌ای از همچنان یک اسطوره یا قهرمان بازی نیست بلکه تنها دارای صفاتی همچون نظم‌دهندگی و داوری است. به همین ترتیب اگر در جایی «وجه کاریزماتیک» گرداننده نقش مهمی در دفع تنش‌ها داشت یا بر حسب اعمال قدرتی که داشت به صورت سلیقه‌ای رفتار می‌کرد. در جایی دیگر این «حاکمیت قانون» است که راجع به عملکرد گرداننده قضاوت می‌کند. آن هم نه با انتقام بلکه بازی کنندگان درباره نحوه داوری و اجرای او انتقاد می‌کردند.

در جامعه‌ای شفاف نیز چون افراد از ضعف‌های خود آگاه‌اند، با بحث، نقد، گفت‌وگو و در میان گذاشتن اندیشه‌شان فرصت‌های بهبود حول مسایل را ایجاد می‌کنند. به بیانی دیگر اشتباهاتشان نادیده گرفته نشده و مسئولیت پاسخ‌گویی در قبال اشتباهات صورت می‌گیرد. بنابراین اینجا کاریزما ی فرد اهمیت پیدا نمی‌کند بلکه فرد از دایره امور مقدس به امور نامقدس راه می‌یابد تا بازاندیشی بر روی تصمیمات صورت بگیرد.

● تقدس و تقدس زدایی از فرد

طبق نظر پژوهشگران این مطالعه، در بازی مافیا این تصمیمات است که برای پیشبرد بازی لازم است و ارتباطی به خوب یا بد بودن شخص ندارد. ممکن است در جایی تصمیمات، منافع گروه‌ها را تضمین کند و در جایی دیگر تصمیمات او به ضرر گروه باشد. پس برای افراد استدلال‌ها ولویت پیدا می‌کند نه هویت افراد. این مسیر همچون بخش‌های دیگر از بازی به صورت دورانی در جریان است. اینکه کدام شیوه در کدام بازی اجرایی می‌شود، متغیر است و متأثر از گرایشات فکری بازیگران در زندگی واقعی است.

● بحث و نتیجه‌گیری

از نظر حسنی و همکارانش بازی مافیا، امروز بازی مافیا میان عموم جایی برای خود باز کرده است. تفسیری که به دست آمد، حاکی از وجود عناصر اجتماعی در بازی است.

منبع:

سید قاسم حسنی، نادر رازقی و مریم قدیمی (۱۴۰۴). «مطالعه‌ای مردم‌نگارانه: تفسیر جوانان از بازی مافیا»، مجله جامعه‌شناسی کاربردی، سال سی و ششم، شماره ۹۷

چهارگوشه دنیا

تشکیل دولت اقلیت با حمایت حزب نیودموکرات یا بلوک کبک خواهند شد. در هر حال، افت محسوس حمایت از احزاب کوچک‌تر، به ویژه حزب نیودموکرات به رهبری جگمیت سینگ، نشان می‌دهد که فضای انتخاباتی به سمت یک دو قطبی آشکار در حرکت است. در قلب این انتخابات، دو رویکرد کاملاً متفاوت نسبت به بحران تعرفه‌ها و چالش‌های ناشی از سیاست‌های ترامپ دیده می‌شود. همانطور که پیش‌تر اشاره شد، مارک کارنی، با تکیه بر سابقه خود در هدایت بانک‌های مرکزی کانادا و انگلستان، الگوی رهبری بحران را به کار گرفته است. دوران دشوار بر گزیت در انگلستان شاهد درخشش او در حفظ ثبات اقتصادی بود و امروز نیز بسیاری از کارشناسان باور دارند که چنین تجربه‌ای، او را به بهترین گزینه برای مواجهه با تهدیدات اقتصادی دولت ترامپ بدل کرده است. کارنی در کارزار انتخاباتی‌اش بر «مقاومت هوشمندانه» تأکید دارد: بهره‌گیری از ظرفیت‌های بین‌المللی، پیگیری دعاوی تجاری در سازمان تجارت جهانی، گسترش بازارهای صادراتی جایگزین و تلاش برای بسیج متحدان سنتی در برابر سیاست‌های تعرفه‌ای آمریکا. در سوی دیگر، پیر پولیور رویکرد متفاوتی بر گزیده است. او، با اتکا به گرایش محافظه‌کارانه و اشتراکات سیاسی با دولت ترامپ، معتقد است که می‌توان از مسیر همسویی ایدئولوژیک، بحران را تخفیف داد. از نگاه او، پیوندهای سیاسی با چهره‌هایی چون ترامپ، دیسانتیس و سایر چهره‌های جمهوری خواه می‌تواند درهای مذاکرات پنهانی را بگشاید و کانادا را بدون هزینه‌های سنگین به توافقاتی مطلوب‌تر برساند. این استدلال به ویژه در بخش‌هایی از استان‌های غربی مانند آلبرتا و ساسکاچوان که اقتصادشان به شدت به صادرات انرژی و منابع به آمریکا وابسته است، طرفدارانی جدی دارد.

با این حال، هر دو مسیر، انتقادات خاص خود را نیز به همراه دارند. مخالفان کارنی می‌گویند او بیش از حد به نهادهای بین‌المللی دل بسته و واقعیت‌های سیاسی سخت ترامپسم را نادیده می‌گیرد. منتقدان پولیور نیز هشدار می‌دهند که نزدیکی سیاسی به دولت ترامپ، می‌تواند منجر به تضعیف حاکمیت ملی و هویت مستقل کانادا شود، خطری که در شرایط مطرح شدن ایده‌های ناسیونالیستی افراطی در واشنگتن بیش از پیش جدی به نظر می‌رسد.



کانادا در انتخاباتی تاریخی برای تعیین مسیر آینده روابط با آمریکا

سازش یا مقاومت

- مارک کارنی با تکیه بر تجربه بین‌المللی خود الگوی مقاومت هوشمندانه را معرفی کرد
- پیر پولیور، با شعارهای «کانادا اول»، راه مذاکره مستقیم با ترامپ را تبلیغ می‌کند



کانادا در آستانه یکی از سرنوشت‌سازترین انتخابات‌های تاریخ معاصر خود قرار دارد. روز دوشنبه، ۲۸ آوریل ۲۰۲۵، این کشور شاهد برگزاری چهل‌وپنجمین انتخابات فدرال خواهد بود؛ جایی که مارک کارنی، نخست‌وزیر کنونی و رهبر حزب لیبرال، در برابر پیر پولیور، رهبر حزب محافظه‌کار، صف‌آرایی کرده است. این انتخابات در شرایطی برگزار می‌شود که تعرفه‌های سنگین اعمال‌شده از سوی دولت دونالد ترامپ و تهدیدهای آشکار و مبینی بر تبدیل کانادا به ایالت پنجاه‌ویکم آمریکا، فضای سیاسی و اقتصادی کانادا را به شدت تحت تأثیر قرار داده و رقابتی نفسگیر را رقم زده است. نظرسنجی‌های اخیر حاکی از تحولی چشمگیر در صحنه سیاسی کشور است. تا ژانویه ۲۰۲۵، حزب محافظه‌کار به رهبری پولیور با اختلافی ۲۵ امتیازی در صدر نظرسنجی‌ها قرار داشت اما استعفاي جاستین ترودو، نخست‌وزیر دیرپای لیبرال، مسیر رقابت را دگرگون کرد. در مارس ۲۰۲۵، حزب لیبرال، مارک کارنی، بانکدار برجسته

پنگه دنیا

آیفون، مهاجر جدید سرزمین رودهای مقدس

اپل با توجه به تعرفه‌های ترامپ، تولید گوشی هوشمند خود را از چین به هند منتقل می‌کند

اپل، غول فناوری سیلیکون‌ولی، در واکنش به تعرفه‌های سنگین دولت آمریکا علیه چین، برنامه‌ای جسورانه برای انتقال تولید آیفون‌های بازار آمریکا به هند تا پایان سال ۲۰۲۶ تدوین کرده است. این تصمیم که در پی تعرفه‌های ۱۲۵درصدی بر کالاهای چینی شکل گرفته، تلاشی است برای کاهش وابستگی به چین، جایی که هم‌اکنون ۸۰ درصد از ۶۰ میلیون آیفون فروخته‌شده در آمریکا تولید می‌شود. هند در حمایت‌های دولت نارندرا مودی برای تبدیل شدن به قطب تولید گوشی‌های هوشمند، به مقصدی استراتژیک برای اپل بدل شده است.

در حال حاضر، اپل سالانه بیش از ۲۳۰ میلیون آیفون در جهان تولید می‌کند که ۹۰ درصد آنها در چین مونتاژ می‌شوند اما در سال مالی منتهی به مارس ۲۰۲۵، هند شاهد جهشی چشمگیر بود و ۲۲ میلیارد دلار آیفون، معادل ۱۰درصد تولید جهانی اپل، در این کشور تولید شد که رشدی ۶۰درصدی نسبت به سال قبل را نشان می‌دهد. «فاکس‌کان»، شریک اصلی اپل، در کارخانه‌های تامیل نادو و کارناتا‌کا، و «تاتا گروپ»، با خرید واحدهای ویسترون و پگاترون، نقشی کلیدی در این انتقال ایفا می‌کنند. این دو شرکت در مارس ۲۰۲۵، ۶۰۰ تن آیفون به ارزش ۱ میلیارد دلار به آمریکا ارسال کردند که رکوردی برای هر دو بود. فاکسکان به‌تنهایی ۱.۳ میلیارد دلار از این محموله‌ها را تأمین کرد. هزینه تولید در هند ۵ تا ۸ درصد و در برخی موارد ۱۰ درصد بالاتر از چین است اما تعرفه ۲۶درصدی بر واردات هند در مقایسه با ۱۲۵ درصد چین، این انتقال را توجیه‌پذیر می‌کند. دولت مودی نیز با حذف مالیات واردات برخی قطعات گوشی و ارائه مشوق‌های ۲.۷ میلیارد دلاری برای تولید الکترونیک، از این جابه‌جایی حمایت می‌کند. با



این جابه‌جایی نه‌تنها پاسخی

وال استریت ژورنال عکس و تیتتر اصلی خود را به مراسم تشییع پاپ در میدان سنت پیترو اختصاص داد و اعلام کرد بیش از ۲۵۰ هزار نفر به این مراسم آمدند.



نیویورک تایمز، عکس و تیتتر اصلی خود را به پیت هگست، وزیر دفاع آمریکا اختصاص داد و گفت او برخلاف پروتکل‌ها، هنوز از شماره شخصی خود استفاده می‌کند.



چهره روز



اما مکی در فیلم جدید «نارنیا» به کارگردانی گرتا گروویگ نقش جادوگر سفید را ایفا می‌کند و به مریل استریپ و دنیل کریگ می‌پیوندد. این پروژه نتفلیکس، اقتباسی از «نارنیا: خواهرزاده جادوگر» سی.اس. لوئیس، داستانی حماسی از خاستگاه نارنیا را روایت می‌کند. همکاری دوباره مکی با گروویگ پس از فیلم تحسین‌شده «باربی» نشان‌دهنده اعتماد این کارگردان صاحب‌سبک به استعداد اوست. گفتنی است، مکی با کارنامه‌ای درخشان، از «امیلی» تا «مرگ روی نیل»، گامی بزرگ در سینمای فانتزی برداشته و حالا با «نارنیا» جایگاه خود را در سینما تثبیت می‌کند.

عکس روز



دیوارهای آوری‌باخ، نجوای تاریخ لایپزیگ

یکی از قدیمی‌ترین کافه‌های اروپا و پاتوق لوتر و گوته ۵۰۰ساله شد

به همین دلیل آوری‌باخ را به پناهگاهی برای گفت‌وگوهای آتشین و ایده‌های انقلابی تبدیل کرد. لوتر، اصلاح‌گر دینی، در این دخمه از جنگ دشمنانش می‌گریخت و نقشه‌هایش را با یاران‌ش در میان می‌گذاشت. بدینسان نام این کافه هم در عصر روشنگری به ثبت رسیده است. در قرن هجدهم، یوهان ولفگانگ گوته، شاعر و نمایشنامه‌نویس بزرگ و صاحب‌نام آلمانی که ایرانیان او را به واسطه‌ارادت‌ش به حافظ به یاد می‌آورند، صحنه‌ای از شاهکار هاینریش اشترومر، پزشک و استاد دانشگاه لایپزیگ، این زیرزمین را به محفلی برای تجمع اندیشه و همدلی بدل کرد. او، دوست صمیمی و مارتین لوتر و از حامیان تغییر بود و

در دل لایپزیگ، شهری که قلب فرهنگ آلمان را در خود جای داده، کافه آوری‌باخ چون گوهری کهن می‌درخشد. این زیرزمین اسطوره‌ای، با ۵۰۰ سال تاریخ، روزگاری پناهگاه مارتین لوتر و جرقه‌زن تخیل گوته برای اثر جاودان او یعنی «فاوست» بود و هنوز هم سالانه بیش از ۳۰۰ هزار شیفته فرهنگ را به سوی خود می‌کشاند. هر لقمه در این کافه، طعمی از گذشته‌های پر شکوه لایپزیگ را به کام می‌آورد. ماجرا از سال ۱۵۲۵ آغاز شد، زمانی که هاینریش اشترومر، پزشک و استاد دانشگاه لایپزیگ، این زیرزمین را به محفلی برای تجمع اندیشه و همدلی بدل کرد. او، دوست صمیمی و مارتین لوتر و از حامیان تغییر بود و

ترندهای پنج کشور جهان در گوگل



جشن تولد جنجالی جی جی حدید و حلقه‌ای که همه را شوکه کرد!



جی جی حدید، سوپرمدل ۳۰ ساله، تولدش را در رستوران لوکس «لو شاله» نیویورک با حضور بردلی کوپر، بازیگر ۵۰ ساله و جمعی از ستارگان جشن گرفت اما چیزی که در این بین همه نگاه‌ها را به خود جلب کرد، حلقه طلایی روی انگشت جی جی بود. شایعات پیشنهاد از دواج کوپر به حدید ماه‌هاست که داغ است و این حلقه، گمانه‌زنی‌ها را به اوج رساند. در این مهمانی پرستاره، بلا حدید، خواهر جی جی، یولاندا حدید، مادر ۶۱ ساله و محمد حدید، پدر ۶۶ ساله خانواده نیز حاضر بودند و همین سبب شد تا شایعه از دواج این دو قوت بگیرد. جی جی و بردلی از اکتبر ۲۰۲۳ وارد رابطه عاطفی شدند و گفته می‌شود کوپر عزمش را جزم کرده تا به رغم اختلاف سن ۲۰ ساله‌شان، با این مدل ازدواج کند. گفتنی است کوپر دختر ۷ ساله از ایرینا شایک و حدید نیز دختری ۴ ساله از زین مالک دارد که این دو نیز با یکدیگر بسیار صمیمی شدند.

تجزیه

غذایی شرق آلمان دل می‌رباید. سالانه ۴هزار رولاد گوشت گاو که رول‌هایی از گوشت پر شده با سبزیجات و ادویه‌جات هستند، همراه با سوپ سیب‌زمینی غلیظ، بشقاب‌های گوشت‌آبدار با سبزیجات بخارپز و دسرهایی که طعم خانه‌های قدیمی آلمان را زنده می‌کنند، پیش‌روی مهمانان قرار می‌گیرد. یک وعده کامل با پیش‌غذا و غذای اصلی، حدود ۳۰ تا ۴۰ یورو هزینه دارد، بهایی ناچیز برای سفری به اعماق تاریخ لایپزیگ، تسور زیرزمین با هزینه ۱۵ یورو، این تجربه را به اوج می‌رساند. هارتموت مولر، بازیگری که ۳۰ سال است روح کافه را زنده نگه داشته، ۹ متر زیر زمین، قصه‌های کافه را با چنان شور و شوقی روایت می‌کند که گویی خود گوته در کنارت ایستاده است. این تور به «اشپیز‌خانه جادوگران» ختم می‌شود، غاری ۱۲ متری در زیر زمین که جادوی

فاوست در آن جریان دارد.

جشن ۵۰۰سالگی کافه در عید پاک ۲۰۲۵ با «شلامپامپ» کلید خورد: شایفتی باشکوه با غذاهایی که روی تخته‌های چوبی سرو می‌شوند، موسیقی زنده و رقص‌هایی که انگار از دل قرن هجدهم جان گرفته‌اند، یک ماه دیگر، فستیوال باخ در لایپزیگ با «فاوست باخ»، نمایشی که موسیقی باخ را با داستان گوته درهم می‌آمزد، سالن بزرگ کافه را به صحنه‌ای افسونگر تبدیل می‌کند. این اجراء، با حضور خوانندگان و نوازندگان برجسته، پلی است میان دو غول فرهنگ آلمانی و بهانه‌ای برای زنده نگاه داشتن اماکنی که تاریخ در آنها جریان داشته و این چیزی جز پاسداشت اصالت نیست.

ادعای ستاره پرش با نیزه جهان هیچ پرنده‌ای با من برابری نمی‌کند



آرماند مونود دوپلاتنسیس، ستاره پرش با نیزه و برنده جایزه بهترین ورزشکار سال در مراسم جوایز لورئوس، اعلام کرد که هیچ‌کس نمی‌تواند در رقابت پرش به پرش باو برابری کند.این ورزشکار ۲۵ ساله سوئدی گفت: «فکر نمی‌کنم هیچ‌کس، حتی در تاریخ، بتواند در پرش به پرش با من رقابت کند.» او افزود: «چنان‌به توانایی‌های خودم اعتماد دارم که اگر کسی بخواهد در زمین مسابقه با من رقابت کند و موضوع پرش بانیزه باشد، من بهترین خواهم بود.» دوپلاتنسیس که با دو مدال طلای المپیک و ثبت ۱۱ رکورد جهانی در کارنامه‌اش به موفقیت‌های بزرگی دست یافته، اعتماد به نفس بالایی دارد.او از ژوئیه ۲۰۲۲ تاکنون، ۲۸ پیروزی متوالی را ثبت کرده است. با وجود برتری قاطع بر هم‌نسلاش، دوپلاتنسیس به میراث عظیم سرگنی یوبکا، قهرمان المپیک ۱۹۸۸ که ۳۵ بار رکورد جهانی را جابه‌جا کرده بود، اذعان دارد، هر چند از مقایسه مستقیم با او خودداری کرد.او گفت: «هنوز نسبتاً جوان هستم و فکر می‌کنم شاید به زمان بیشتری نیاز دارم تا بتوانم مسیری شبیه یوبکا را طی کنم، چون او سال‌ها در سطحی بسیار بالا پرش می‌کرد.» دوپلاتنسیس که آخرین رکورد خود یعنی ۶.۲۷ متر را در مسابقات ستارگان در کلرمون فران فرانسه در فوریه به ثبت رسانده، معتقد است این رکوردها فقط ایستگاه‌هایی در مسیر حرفه‌ای او هستند. او اظهار داشت: «ورزش پرش بانیزه را خوب می‌فهمم و می‌دانم که نمی‌توانم در هر مسابقه رکورد جهانی بزنم، اما لحظاتی را که شانس خوبی دارم، به خوبی تشخیص می‌دهم.» دوپلاتنسیس افزود: «این فقط یک سفر برای من است؛ تلاشی برای بهتر شدن. من عاشق رکوردشکنی هستم، اما بیشتر از همه، شیفته بیرون کشیدن بهترین نسخه از خودم هستم.»

ال کلاسیکو، نبردی میان دو غول فوتبال با اهمیت

فرا تر از یک بازی

یک بازی

چند صد

میلیون دلاری

تنش‌های فرهنگی و سیاسی در ال کلاسیکو تاثیر زیادی بر حساسیت این رقابت‌ها دارد

گروه ورزش | در دنیای فوتبال، محدود رقابت‌هایی می‌توانند با شدت و اشتیاقی که دیدارهای رئال مادرید و بارسلونا ایجاد می‌کند، برابری کنند. این دیدار تاریخی که با نام «ال کلاسیکو» شناخته می‌شود، چیزی فراتر از یک بازی است؛ این یک نبرد میان غول‌هاست، مبارزه‌ای که از مرزهای ورزش فراتر می‌رود و به فرهنگ، سیاست و هویت گره می‌خورد. چه از طرفداران سرسخت باشبید و چه یک بیننده معمولی، اهمیت رویارویی رئال مادرید و بارسلونا غیرقابل انکار است.

ریشه‌های ال کلاسیکو رقابت میان رئال مادرید و بارسلونا به اوایل قرن بیستم بازمی‌گردد و ریشه‌های این دیدار به شکاف‌های تاریخی، سیاسی و فرهنگی اسپانیا گره خورده است.

بارسلونا که نماینده منطقه کاتالونیاست، همواره نمادی از غرور منطقه‌ای و مقاومت در برابر قدرت مرکزی بوده، در حالی که رئال مادرید در برهه‌هایی با ساختار رسمی دولت اسپانیا و حتی رژیم فرانکو پیوند خورده است.

اهمیت فرهنگی

ال کلاسیکو تنها یک رویداد ورزشی نیست؛ بلکه یک پدیده فرهنگی است که تحولات میلیون‌ها نفر را به خود جلب می‌کند. مسابقه بین رئال مادرید و بارسلونا نمایانگر تقسیمات فرهنگی و منطقه‌ای گسترده‌تر در اسپانیا است. برای مردم کاتالونیایی، موفقیت‌های بارسلونا به عنوان پیروزی برای هویت و خودمختاری آنها دیده می‌شود. در مقابل، پیروزی‌های رئال مادرید معمولاً به عنوان نمادی از وحدت و افتخار ملی تلقی می‌شود.

جنگ‌های تاکتیکی

از نظر تاکتیکی، رئال مادرید و بارسلونا اغلب برعکس یک‌دیگر عمل کرده‌اند، با هر تیم که نماینده فلسفه‌های متفاوت فوتبال است. رویکرد رئال مادرید به‌طور سنتی بیشتر مستقیم بوده، به طوری که در برخورد فیزی با بازیکنان ستاره‌اش تکیه کرده تا دفاع حریف را شکسته و به گل برسد. در مقابل، بارسلونا به سبک مبتنی بر مالکیت توپ پایبند است و بر کنترل بازی از طریق پاس‌های دقیق و حرکت تمرکز دارد.

تأثیر جهانی

ال کلاسیکو چیزی فراتر از یک رویداد

اسپانیایی است؛ بلکه یک پدیده جهانی است. این دیدار میلیون‌ها بیننده از سرتاسر جهان جذب می‌کند، با هوادارانی در هر گوشه‌ای از دنیا که مشتاقانه منتظر هر تقابل هستند. گسترش جهانی این رقابت گواهی بر جذابیت جهانی فوتبال و کشش مغناطیسی این دو باشگاه نمادین است. ابعاد تجاری این دیدار نیز قابل توجه است. این مسابقه درآمد زیادی از حقوق پخش تلویزیونی، قراردادهای اسپانسر و فروش کالا تولید می‌کند. هر دو باشگاه رئال مادرید و بارسلونا از پایگاه‌های هواداری جهانی خود بهره‌برداری کرده‌اند تا به یکی از موفق‌ترین باشگاه‌های مالی جهان تبدیل شوند.

تأثیر بر تاکتیک‌های فوتبال

ال کلاسیکو اغلب در زمینه تاکتیک‌های فوتبال پیشگام بوده است. نوآوری‌ها و استراتژی‌هایی که هر دو تیم در این دیدارها به کار گرفته‌اند، بر فوتبال جهانی تأثیر گذاشته‌اند. از رویکرد «گالاتیکوس» یا کیک‌شنی‌ان رئال مادرید که بر جمع‌آوری تیمی از سوپرستارها تأکید دارد، تا توسعه سبک «تیکي تاکا» بارسلونا، این مسابقات در خط مقدم تکامل تاکتیکی فوتبال قرار دارند. بر بیان و تیم‌ها از سرتاسر جهان این دیدار را مطالعه می‌کنند تا از نبردهای تاکتیکی آن درس بگیرند. این رقابت به مرجع جدیدی برای درک جزئیات استراتژی فوتبال تبدیل شده است، با هر مسابقه که بینش‌های جدیدی در بازی ارائه می‌دهد.

از زوایای دیگر

رقابت ورزشی بین این دو تیم بازتابی از رقابت در دیگر حوزه‌ها است: «شهر صنعتی» به‌طور برجسته بارسلونا و شهر مالی و اداری

مرکز قدرت یعنی مادرید.» این دیدار حتی رقابت‌های دیگر تیم‌ها را تحت‌الشعاع قرار داد، اگرچه در دهه ۱۹۹۰، زمانی که فوتبال حرفه‌ای در اسپانیا متولد شد، تیم‌های باسک، به‌ویژه آتلتیک بلبائو، بر تیم‌ها تسلط داشتند و نمایندگان کشور بودند. دشمنی‌ها بین بارسلونا و مادرید و احساس کاتالان‌ها از وجود جانبداری از داوران از مسابقه قهرمانی اسپانیا ۱۹۱۵-۱۹۱۶ آغاز شد. مادرید در تاریخ ۱۵ آوریل ۱۹۱۶ در مسابقه چهارم و تعیین‌کننده ۲-۴ پیروز شد، به‌طور مشکوک به لطف کمک داور حوزه آتلخ برآوندو و تیم کاتالان قبل از پایان بازی زمین را ترک کرد تا اعتراض خود را به گل آخر مادرید نشان دهد، زیرا آنها معتقد بودند اگرگون در موقعیت آفساید بوده است، رسوایی معروف «چامار تین» در فصل ۱۹۴۲-۴۳ رخ داد، زمانی که در تاریخ ۶ ژوئن ۱۹۴۳، رئال مادرید در نیمه‌نهایی جام در لس کورتس ۳برصفر شکست خورد. خبرنگار ادواردو تنوس سپس کمپینی را راه‌اندازی کرد که طبق تاریخ رسمی تیم بارسلونا، به مسئله‌ای دولتی تبدیل شد و بازی با نتیجه ۱۱-۱ به پایان رسید. ۱۰ سال بعد، در ۱۹۵۳، پس از مشکلاتی که منجر به امضای قرارداد با آلفردو دی استغنانو شد، رقابت‌ها شدت گرفت، زیرا رئال مادرید به تیم محبوب دیکتاتوری فرانکو و نماینده اسپانیا در اروپا تبدیل شد. حمایت رژیم از رئال مادرید باعث تحریک دشمنی‌های بیشتر در بین بازیکنان بارسلونا نسبت به رقیب خود از پایتخت شد. از آن لحظه، رئال مادرید به نماد ورزش مرکزی گرای تبدیل شد. به‌طوری‌که زمانی که بارسلونا در استادیوم برنابئو بازی می‌کرد، هواداران رئال مادرید فریاد می‌زدند «اسپانیا، اسپانیا» و پرچم‌های اسپانیایی حمل می‌کردند.

تلاش پرز برای یک خرید بزرگ یورگن کلوپ نزد یک نیمکت رئال مادرید



گزارش‌های خبری فلش کرده‌اند که یکی از نزدیکان فلورنتینو پرز، رئیس باشگاه رئال مادرید، در تلاش است تا او را متقاعد کند که با یورگن کلوپ، مربی سابق لیورپول انگلیس، قرارداد ببندد. اگرچه باشگاه رئال مادرید در ابتدا قصد داشت به سراغ مربی بایرلور کوزن، ژابی آلونسو، برود اما اخیراً نام کلوپ به‌طور مکرر در برناپوشنیده می‌شود.به گزارش مارکا، آنس الفراری، یک بانکدار مراکشی و یکی از معدود افرادی که فلورنتینو پرز به او اعتماد دارد، پیشنهاد داده که پرز باید به طور جدی در مورد جذب کلوپ فکر کند. الفراری که یکی از حامیان اصلی

رئیس باشگاه رئال مادرید است، علاقه زیادی به مربی آلمانی دارد و می‌خواهد که او مربی بعدی رئال مادرید شود. کلوپ پس از ۹ سال که در لیورپول تاریخ‌سازی کرد، این باشگاه را ترک و به سمت ریاست باشگاه‌های فوتبال تحت شرکت دبلو منصوب شد. هنوز مشخص نیست که آیا کلوپ تمایل دارد به مربیگری بازگردد یا اینکه به این منصب باقی بماند.در مورد خواسته‌های کارلو آنچلوتی، رادیو مارکا جزئیاتی را فاش کرد: «در حال حاضر آنچلوتی می‌خواهد در رئال مادرید بماند. او بسیار مشتاق است تا سسال باقی‌مانده از قراردادش با باشگاه را ادامه دهد. فکر می‌کنم که آنچلوتی تصمیم خود را گرفته و در صورت عدم ماندن در رئال مادرید، به مربیگری تیم ملی برزیل خواهد پرداخت. با وجود مخالفت بخش زیادی از اطرافیان، آنچلوتی مربی تیم ملی برزیل خواهد شد.»



گروه ورزش | در دنیای فوتبال، محدود رقابت‌هایی می‌توانند با شدت و اشتیاقی که دیدارهای رئال مادرید و بارسلونا ایجاد می‌کند، برابری کنند. این دیدار تاریخی که با نام «ال کلاسیکو» شناخته می‌شود، چیزی فراتر از یک بازی است؛ این یک نبرد میان غول‌هاست، مبارزه‌ای که از مرزهای ورزش فراتر می‌رود و به فرهنگ، سیاست و هویت گره می‌خورد. چه از طرفداران سرسخت باشبید و چه یک بیننده معمولی، اهمیت رویارویی رئال مادرید و بارسلونا غیرقابل انکار است.

فوتبال و سیاست

برخلاف بارسلونا، «که گاهی با رژیم سیاسی حاکم در اسپانیا به ویژه در سال‌های دیکتاتوری پریمو د ریسیروا حتی در دوران رژیم فرانکو مقابله کرده است»، تیم پایتخت توانایی زیادی در تطبیق با همه شرایط سیاسی داشته است. به همین دلیل، رئال مادرید تیم سلطنت آلفونسو سیزدهم بود. این تیم در دوران پریسمو د بورا و حتی در جمهوری هم مقبولیت خوبی داشت، زیرا رئیس تیم نیز دبیر کل ریاست جمهوری بود. در دوران رژیم فرانکو، این تیم به تدریج به متحد وفادار دولت تبدیل شد، زیرا تصویر بد دولت را در خارج از کشور بهبود می‌بخشید. رئال مادرید، به‌ویژه از دهه ۱۹۵۰ به بعد که شروع به کسب موفقیت‌های ورزشی در خارج کرد، به تیم اسپانیا تبدیل شد، زیرا تیم ملی اسپانیا هنوز در رقابت‌های بین‌المللی موفقیت زیادی نداشت. در مقابل، در مورد بارسلونا، کاتالانیسم به شدت با فعالیت‌های تیم گره خورده است. رئال مادرید همیشه نماد مرکزی گرای و بارسلونا نماد ملی‌گرایی خواهد بود. در واقع دیدگاه‌های سیاسی که هر دو تیم نمایندگی می‌کنند، آشتی را عملاً غیرممکن می‌کند. در مواقعی روسای رایانو توانسته‌اند از این رقابت برای دستیابی به اهداف دیگری بهره‌برداری کنند. این مسابقه در بیش از ۱۰۰ کشور پخش تلویزیونی شده و لوگوی باشگاه‌ها و بازیکنان‌شان به بیش از ۴۰۰ میلیون بیننده در سراسر جهان نمایش داده شده است. در نتیجه، این آلودگی به‌مثابه بلبوردهای زنده و پویایی عمل کردند که ارزش برند و تأثیر اقتصادی هر دو باشگاه را تقویت کردند.

ورزش ایران و جهان

| روزنامه صبح ایران | سال پانزدهم | شماره ۱۴۰۵ | یکشنبه | ۷ اردیبهشت | ۱۴۰۴

حاشیه

اتهام سنگین علیه ستاره فرانسوی

سوءاستفاده روانی و خشونت دیمتری پایت



گزارش‌های خبری از اظهارات دیمتری پایت، سستاره فرانسوی تیم واسکو دو گاما برزیل، به پلیس این کشور پس از متهم شدنش توسط نامزد سابقش به خشونت جسمی و روانی پرده برداشتند. طبق گزارش‌ی که روز شنبه روزنامه «دیلی میل» منتشر کرد، این بازیکن در مقابل پلیس حمایت از زنان شهادت داده و تأیید کرده که با وکیل برزیلی، لاریسا ناتالیا فراری، رابطه داشته است. او همچنین اظهار داشته که تمامی اتفاقات میان آنها با رضایت دو طرف بوده است. این ماجرا پس از آن رسانه‌ای شد که ستاره سابق وستهام متهم شد که فراری ۲۸ ساله، که به مدت هفت ماه با او رابطه داشت، را مجبور به انجام کارهای خشونت‌آمیز کرده است. تااین لحظه پایت، که همسرش لودیوین و چهار فرزندش را پس از تقریباً ۲۰ سال زندگی مشترک در فرانسه ترک کرده بود، به طور علنی به این اتهامات واکنشی نشان نداده است. با این حال، یک سایت خبری برزیلی مدارکی به دست آورده که جزئیات بیشتری از این پرونده ارائه می‌دهد. بر اساس این گزارش‌ها، وکیل فراری مدعی شده که به اختلال شخصیت مرزی مبتلاست و باور دارد که دیمتری پایت از وضعیت روانی او سوءاستفاده کرده است. سایت جی وان به نقل از او نوشته: «دیمتری از علاقه زیاد من و مشکلات روانی‌ام باخبر بود و از آن علیه من استفاده کرد. او مرا متقاعد کرد که سرم را در سطل زباله و توالت ببرم و کارهای عجیب دیگری انجام دهم.» گفته شده که پایت برخی از این رفتارها را پذیرفته، اما تأکید کرده که این اعمال با رضایت و پیشنهاد خود فراری انجام شده است. گزارش تازه همچنین ادعا می‌کند که پایت در خواست نامزدش برای ادامه رابطه در فرانسه به شرط پرداخت هزینه‌های زندگی او وارد کرده است؛ در حالی که اقامت پایت در برزیل رو به پایان بود. به گفته پایت، پس از این‌س ماجرا رفتار فراری تغییر کرد و شروع به تهدید او کرد که اگر ظرف چهار ساعت پس از روز تولدش به پیام‌هایش پاسخ ندهد، اسرارش را فاش خواهد کرد. گفتنی است که دیمتری پایت پیش تر در سال ۲۰۲۰ در فرانسه به خشونت خانوادگی متهم شده بود، اما به دلیل ناکافی بودن مدارک، پرونده مخومه اعلام شد.

سوزه

سریع و خشن با دو ستاره بزرگ

پایان جنگ اورتن و سینا با RKO



به نظر می‌رسد فصل‌های جنگ شعله‌ور بین جان سینا و اورتن هنوز به پایان نرسیده‌است، به‌ویژه پس از کاری که «اورتن» در آخرین نمایش «او» انجام داد و با اجرای ضربه خیره‌کننده از کی او به جان سینا، حین جشن او برای کسب هفدهمین قهرمانی‌اش، همه را غافلگیر کرد. هفته گذشته، جان سینا در حال سخنرانی برای تماشاگران در شو او بود که ناگهان رندی اورتن از پشت ظاهر، به آرامی نزدیک شد و با ضربه‌ای قدرتمند از پشت، سینا را نقش زمین کرد. سپس کمربند طلایی قهرمانی را برداشت و با هواداران به شکلی پرشور وارد تعامل شد. جان سینا با شکست دادن کودی رودز در رویداد «سلمانیا ۴۱» موفق شد به پرافتخارترین کشتی‌گیر تاریخ WWE تبدیل شود و از رک فر که از سال ۲۰۱۷ تعداد قهرمانی‌های برابری با او داشت، پیشی بگیرد. ظاهراً استقبال گسترده از دشمنی میان رندی اورتن و جان سینا باعث شده که برگزار کنندگان WWE اعلام کنند دبدری رسمی بین این دو برسر عنوان قهرمانی بی‌چون‌وچرای WWE در رویداد «بکلش» برگزار خواهد شد. این رویداد ویژه، به صورت زنده در شهر سنت لوئیس ایالت میزوری، زادگاه رندی اورتن، برگزار می‌شود و این مسابقه نخستین دفاع جان سینا از عنوان هفدهمش خواهد بود. این مسابقه روز ۱۱ مه (۲۱ اردیبهشت) برگزار می‌شود و اولین رویارویی مستقیم این دو از سال ۲۰۱۷ تاکنون خواهد بود؛ مسابقه‌ای که در هفتاد و یکمین سالگرد جان سینا به پایان رسید. با قطعی شدن زمان مسابقه، جان سینا در نمایش «سمک‌داون» سحرگاه شنبه حاضر شد و رودروی رندی اورتن قرار گرفت و آن دو وارد یک مشاجره لفظی تند شدند؛ اولین مشاجره مستقیم بین‌شان پس از بیش از ۱۰ سال. در این بخش، آنها به تبادل انتقادات و حملات کلامی پرداختند. مشاجره لفظی خیلی زود به درگیری فیزیکی کشیده شد؛ جان سینا موفق شد اورتن را به زمین بزند و چند ضربه به او وارد کند. اما وقتی اورتن خواست و سینا قصد داشت ضربه معروفش را با کمر بند به سر او وارد کند، اورتن حرکت را معکوس کرد و یک ضربه «RKO» نابودکننده به او زد. سپس «هار خزنده» به گوشه رینگ رفت، کمربند قهرمانی سینا را بالا گرفت و با به چالش کشیدن همه، آن را بالای سرش به اهتزاز درآورد.

رامی خوری.» اما پیش از همه اینها، دو روز مانده

به بازی تاریخی با استرالیا، خداداد سر میز شام با علی دایی درگیری فیزیکی پیدا کرده بود. اگر آن بازی حساس در پیش نبود، شاید او خیلی زودتر از تیم ملی کنار گذاشته می‌شد و حماسه ملبورن هرگز آن‌طور که شد رقم نمی‌خورد. خداداد در ادامه با برند اما این پایان ماجرا نبود. خداداد در ادامه با برند شوستر، سرمربی مشهور تیم کلن، دچار مشکل شد و خیلی زود از این تیم جدا شد. در لیگ آمریکا (MLS) هم در جریان یک بازی با بازیکن حریف کشت‌کاری کرد. این حاشیه‌ها و درگیری‌ها باعث شد یکی از حساس‌ترین ستاره‌های فوتبال آسیا خیلی زودتر از انتظار از سطح اول فوتبال دور شود. در سال ۱۳۷۵ هم با فرهاد کاظمی، سرمربی وقت بهمن، درگیر شد و چند سال بعد در لیگ برتر، با مصطفی دزینی اختلاف پیدا کرد. در زمان حضور برانکو ایوبوکیوچ روی نیمکت تیم ملی نیز اختلافات جدی‌ای با او داشت؛ تا جایی که برانکو



دیگر حاضر به دعوت او به تیم ملی نبود. در سال ۱۳۸۶، هنگامی که سرمربی ابومسلم بود، پس از شکست برابر پاس همدان در رختکن با ناصر شفق، مدیرعامل باشگاه، درگیری فیزیکی پیدا کرد و کتک‌کاری شدیدی رخ داد. در سال ۱۳۸۷ و در جریان بازی فجرسیاسی و پیام خراسان، این‌بار خداداد با دو خبرنگار درگیر شد. او که قائم‌مقام باشگاه پیام بود، روی سکو به جرم خوشحالی یک خبرنگار، به او حمله کرد و بعدها گفت: «حشقی بود که کتک بخورد». غلامحسین پیروانی، سرمربی فجرسیاسی، بعد از بازی گفته بود: «به خاطر این رفتار خداداد گریه کردم.» شهرپور ۱۳۹۴ هم در بازی ستارگان ایران و جهان، در رختکن با فرهاد مجیدی، اسطوره استقلال‌ی‌ها، درگیری پیدا کرد و موجب شد فرهاد در میانه بازی با قهر، ورزشگاه را ترک کند. سال ۱۳۹۸ نیز در یک بازی دوستانه فوتسال، با مهدی تارنار درگیر شد. این لیست، تمام درگیری‌های خداداد عزیزی نیست؛ آخرین

گزارش

این غزال تیز پای عصیان‌زده

درگیری‌های ناتمام خداداد عزیزی

خداداد، خداداد عزیزی؛ غزال تیز پای فوتبال ایران، حماسه‌ساز ملبورن و... القاب فراوانی پس از درخشش‌های فوق‌العاده‌اش در فاصله سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۸ در تیم ملی ایران برای او ساخته شد. اما این ستاره استثنایی فوتبال، هرچه زمان گذشت، ناآرام‌تر و بی‌پروا تر شد؛ تا جایی که حتی دوران حرفه‌ایش‌نم تحت تأثیر این رفتارها خدشدار شد. از همان لحظه‌ای که باشگاه تراکتور نام او را به عنوان سرپرست اعلام کرد، مشخص بود

هدف اصلی استفاده از قدرت تخریب این چهره قدیمی است. میانگین اتفاقات و جنجال‌های خداداد عزیزی در این سال‌ها اول‌فد بالا بوده که تقریباً قطعی بود حضورش در تراکتور، به معنای جنجال‌های کنار زمین خواهد بود. پیش‌بینی‌ها هم درست از آب درآمد؛ از بدو ورودش، حاشیه‌ها

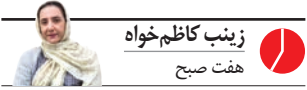
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شرکت هفت صبح ماندگار
سرمدبهر:افشین امیرشاهی
مدیر هنری و وحید غفاری و دبیر اقتصادی: مهدی خاکی فیروز
دبیر فرهنگ و هنر: عسل آذر پور، دبیر ورزش: امید ذاکری نیا

دبیر حوادث:فاطمه شیخ علیزاده، دبیر جامعه:مهدی علیپور
دبیر صفحه آخر:زینب کاظم خواه، دبیر سیاسی:بابک نبی
دبیر بین الملل:رامتین لطیفی، ویراستار:فرزانه اختیاری و مرتضی کلبلی

۴۶اثر هنری نفیس در جریان بازسازی تالار شهر مانشورست در هلند گم شد

یک اشتباه فاحش

اثر ملکه بناتریکس اندی وار هول به ارزش ۲۵ هزار دلار به همراه زباله‌ها دور انداخته شد



طبق تحقیقات، تالار شهر وابسته به شهرداری در هلند «به احتمال زیاد» ۴۶ اثر از جمله یک اثر از اندی وار هول – به ارزش تقریبی ۲۵۰۰۰ دلار – را در حین بازسازی دور انداخته است.

اندی وار هول هنرمندی بود که به جمع کردن اشیاء علاقه‌ای عجیب داشت. او از برش‌های روزنامه و صورت حساب‌های پرداخت‌نشده گرفته تا اشیای عجیب و غریب مانند شیشه‌های نوشابه و هر خنزر پنزی که دستش می‌آمد جمع می‌کرد و این اشیاء را در «کپسول‌های زمانی» مرتب می‌کرد و این‌طور شد در طول عمرش ششصد جعبه داشت که پر از این خرت‌وپرت‌ها بود. این کپسول‌ها اکنون به ارضیه‌های گران‌قیمتی تبدیل شده‌اند که نه تنها نگاهایی به زندگی شخصی و حرفه‌ای وار هول می‌اندازند، بلکه تصویری منحصربه‌فرد از ذهن رانیز به نمایش می‌گذارند. در دستان اندی وار هول، زباله اغلب به یک اثر هنری تبدیل می‌شد. شیشه‌های نوشابه، قوطی‌های سوپ کمپل، ته سیگار و خیلی چیزهای دور ریختنی دیگر سوزه‌های نقاشی‌های او بود اما شاید

سلامت روان

بر اساس تحقیقات، تنهایی منبع استرس و باعث بسیاری از بیماری‌هاست

تنهایی از چاقی هم خطرناک تر است



تنهایی یک احساس ذهنی است که با کمبود تعاملات اجتماعی در ترکیب با چندین عامل درونی مرتبط با شخصیت مرتبط است. تنهایی به طور فزاینده‌ای به عنوان یک عامل خطر برای چندین پیامد منفی عمده برای سلامتی در نظر گرفته می‌شود.

انزوای اجتماعی و تنهایی هر دو منبع استرس مزمن و هوشیاری بیش از حد هستند که منجر به کاهش کیفیت خواب، تغییرات فیزیولوژیکی در سلامت قلب و عروق، اختلال در عملکرد سیستم ایمنی، اثرات عصبی-غددی و افزایش سطح کورتیزول می‌شوند.

در کنار بیماری فیزیولوژیکی، تنهایی با زوال شناختی، افسردگی و مرگ و میر زودرس مرتبط است. اگرچه تنهایی، در ترکیب با انزوای اجتماعی با بیماری مرتبط دانسته شده است، اما تعیین علت آن دشوار است زیرا مطالعات مشاهده‌ای همبستگی‌های بیولوژیکی به عنوان توضیحی برای تاثیر تنهایی بر بدن مطرح شده‌اند. این مسیرها شامل سطوح هورمون‌های محافظ است که منجر به اثرات نامطلوب بر سیستم قلبی عروقی، کاهش تنظیم سیستم ایمنی و اختلال در تنظیم سیستم عصبی-غددی به دلیل کمبود یا کیفیت پایین خواب می‌شود.

علاوه بر این، تنهایی احتمال شروع رفتارهای مضر برای سلامتی مانند مصرف بیش از حد الکل، پر خوری، سیگار کشیدن و فعالیت جنسی گاه به گاه را به عنوان نوعی تسکین روانی افزایش می‌دهد. تنهایی یک احساس ذهنی است که ناشی از انزوای اجتماعی یا به دلیل عدم اعتماد و ارتباط با اطرافیان است.

همچنین تنهایی با شاخص‌های زیستی التهاب (اینترلوکین-۶ فیبرینوژن و پروتئین واکنشی سی) مرتبط دانسته شده است. التهاب مزمن در ایجاد بیماری‌های قلبی عروقی و سایر بیماری‌های مزمن که با مرگ و میر زودرس مرتبط هستند، نقش دارد.

در کنار اثرات هورمونی، استرس‌های روانی می‌توانند سیستم عصبی خود-کار و دسترسی هیپوتالاموس-هیپوفیز-آدرنوکورتیکال (HPA) را تحریک کنند و فعال شدن مزمن این سیستم‌ها می‌تواند اثرات فرسایشی بر سیستم‌های قلبی

هفت صبح

پزنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفاً اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت ممنوع و قابل پیگیری قانونی است

pr@7sobh.com
www.7sobh.com

دیده شدند، دچار آب‌گرفتگی و آسیب‌های دیگر شده بودند.

اثر ملکه بناتریکس بخشی از مجموعه «ملکه‌های حاکم» وار هول در سال ۱۹۸۵ بود، مجموعه‌ای شامل ۱۶ چاپ رنگی از چهار پادشاه: الیزابت دوم انگلستان، بناتریکس هلند، مارگرت دوم دانمارک و نتومی تفوالا

از اسواتینی (سوازیلند سابق).

این هنرمند، چاپ سیلک اسکرین را بر اساس پرتره‌های رسمی ملکه‌ها انجام داد و آنها را انتخاب کرد زیرا اغلب به صورت انبوه، از جمله روی تمبر و اسکناکس، تولید می‌شدند. البته بدیمنی چند سال پیش هم گریبان تابلوی ملکه بناتریکس را گرفته بود، وقتی سارقان در یک گالری هنری در جنوب هلند را با انفجار باز کردند تا چهار اثر را از مجموعه معروف چاپ‌های اندی وار هول را بدزدند، اما به همه آنها آسیب رساندند و فقط توانستند با دو مورد از این آثار هنری فرار کنند.

گرچه سارقان موفق شدند که در گالری را با موفقیت باز کنند اما انفجار بمب به قدری شدید بود که کل ساختمان ویران شد و مغازه‌های اطراف نیز آسیب دیدند. اما سارقان آماتور که تا اینجا ی کار به چند اثر آسیب جدی زده بودند با چند تابلو هنری به سمت ماشین دویدند و معلوم شد که آثار در ماشین جا نمی‌شوند. دو اثر را از قاب جدا کردند و دو مورد دیگر از این آثار هنری در حالی که آسیب دیده بودند در خیابان رها شدند، از قضا یکی از آن آثار اثر ملکه بناتریکس هلند بود و دیگری نتومی تفوالا، که به ملکه مادر اسواتینی معروف است. حالا اثر ملکه بناتریکس از بین رفته است و شهرداری مانشورست گفته بعید است که آثار هنری گمشده هرگز پیدا شوند.



این آژانس گزارش داد که بسیاری از آثار هنری در طول کار بازسازی در زیرزمین تالار شهر نگهداری می‌شدند «اما با احتیاط حمل‌نشدند».

تعدادی از آنها آخرین بار در سال ۲۰۲۳ که

دادن وخامت عمل و اغراق در روایت است، چون حتی با

بیشترین میزان تحمل کافئین، چنین مقداری به‌قطع می‌تواند کشنده باشد. احتمالاً واقعیت امر این است که او در اوقات پر کار خود بیش از اندازه قهوه مصرف می‌کرد، اما این

میزان از کافئین، نمی‌تواند همیشگی و واقعی بوده باشد. به روایت خود بالزاک در رساله طنزآمیز «لذت‌ها و رنج‌های قهوه»، «قهوه مثل تازیان‌های است که به اندام‌های درونی بدنم می‌خورد و ذهنم را بیدار نگه می‌دارد... اما وقتی اثرش از بین می‌رود، فقط خستگی وحشتناکی را حس می‌کنم».

این جمله نشان می‌دهد او کاملاً از عوارض قهوه آگاه بود، اما همچنان وابستگی خود به آن را حفظ می‌کرد.

بالزاک از سردردهای میگرنی، تپش قلب، بی‌خوابی و مشکلات گوارشی رنج می‌برد که همه از عوارض جانبی مصرف بیش از حد قهوه هستند و مرگ او در ۵۱ سالگی بر اثر نارسایی قلبی، احتمالاً ارتباط مستقیمی با همین سبک زندگی ناسالمش داشت.

آیا قهوه واقعاً به خلاقیت بالزاک کمک می‌کرد؟

بالزاک ادعا می‌کرد نوشیدن این میزان قهوه به او «بینشی خلصه‌وار» می‌داد. با این حال، روان‌شناسی امروز می‌گوید کافئین فقط سطح هوشیاری را افزایش می‌دهد و لزوماً باعث خلاقیت نمی‌شود. شساید این باور درونی بالزاک، نوعی تلقین روانی به حساب می‌آمد که به او انگیزه نوشتن می‌داد.

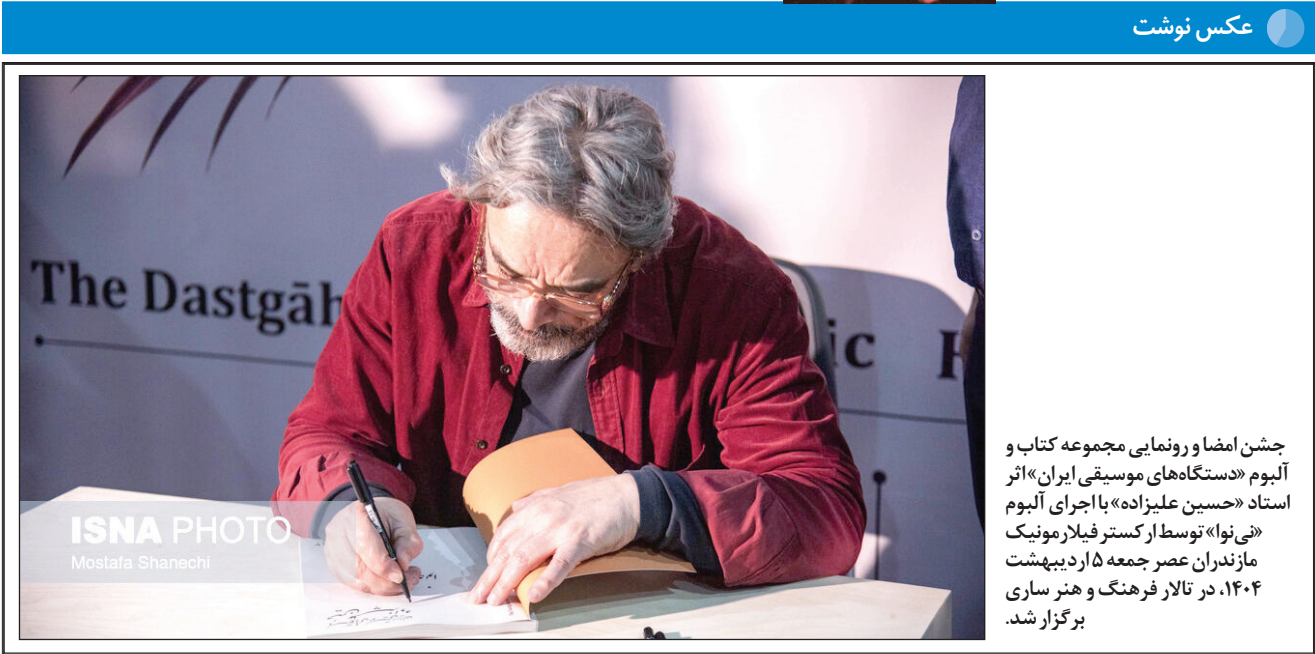
ماجرای کار آگاهی بازنشسته

داستان «تر که مرد»، نوشته دشبیل همت داستانی است که در سال ۱۹۳۲ در شهر نیویورک اتفاق می‌افتد. «تیک» و «تورا چارلز» زن و شوهر هستند. تیک قبل از ازدواج، یک کارآگاه چنان یا او می‌آمیزند که دیگر کسی بی‌طرفی او را باور نمی‌کند.



همه از او می‌خواهند تا این پرونده را حل کند و همه فکر می‌کنند او در حال حل کردن این پرونده است، از جمله تعدادی از خطرناک‌ترین گانگسترهای نیویورک. قبول این پرونده تیک و نورا را با خانواده عجیب و غریب «وینانت» و لشکری از پلیس‌ها و اوباش شهر نیویورک درگیر می‌کند. نیک و نورا از جذاب‌ترین شخصیت‌های داستانی دشیل همت‌ان‌ش: زوجی متمول و مسحورکننده، که ضمن خوشگذرانی

به حل معمای قتل نیز می‌پردازند. تر که‌مرد آمیزه‌ای است از باریک‌بینی‌های معمول رمان‌های پلیسی و عشق رمانتیک بی‌پروا، شور-پر جزئیات معمای قتل بر زمینه کم‌دی آداب. دشیل همت نویسنده این کتاب فعال سیاسی، فیلمنامه نویس، نویسنده داستان کوتاه و رمان نویس آمریکایی بود. همت در مناطق روستایی سنت‌ماری به دنیا آمد. همت در سیزده سالگی ترک تحصیل کرد و قبل از پیوستن به سازمان ملی کارآگاهان پینکرتون، شغل‌های مختلفی را امتحان کرد. اولین اثر همت در مجله‌ای در سال ۱۹۲۲ به چاپ رسید. او که با صحت و واقع‌گرایی نوشته‌هایش شناخته می‌شود، از تجارب خود در طول خدمت در سازمان پینکرتون در داستان‌هایش بسیار استفاده کرده است. کتاب «تر که مرد» این نویسنده با ترجمه احمد میرعلایی به تازگی از سوی نشر نو منتشر شده است.



جشن امضا و رونمایی مجموعه کتاب و آلبوم «سنگاه‌های موسیقی ایران» اثر استاد «حسن علیزاده» با اجرای آلبوم «نی‌وا» توسط ارکستر فیلارمونیک مازندران عصر جمعه ۵ اردیبهشت ۱۴۰۴، در تالار فرهنگ و هنر ساری برگزار شد.

کد پستی ۱۹۸۸۴۴۳۵۱
شماره پیامک:۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷
توزیع:دنیای اقتصاد تابان | چاپ: جام جم
اذان صبح:۰۳:۴۵ | طلوع آفتاب:۰۵:۱۶ | افان ظهر:۱۲:۰۱ | غروب آفتاب:۱۸:۴۷ | اذان مغرب:۰۶:۱۹

یادداشت

دیپلماسی فرهنگی یا گفتار درمانی؟



وزیر میراث فرهنگی و گردشگری که به‌تازگی به ترکیه سفر کرده، با اشاره به رقم نامتوازن «۵/۳ میلیون ایرانی در مقابل تنها ۵۸۰ هزار گردشگر ترک» از ضرورت «بازنگری در سیاست‌های تعامل گردشگری دو کشور» و اتکا به «دیپلماسی فرهنگی» سخن گفته است. اگر چه نام‌گذاری «سال فرهنگی مشترک» و برگزاری رویدادهای متقابل در تهران و یکی از شهرهای ترکیه می‌تواند در شرایط عادی جذاب باشد، اما این گونه موضع‌گیری‌ها تا وقتی که نگاه موجود به گردشگری تغییر نکند فراتر از یک شعار تلقی نخواهد شد؛ کم‌اینکه در همه دهه‌های گذشته مسئولان بسیاری آمده‌اند و رفته‌اند و بزرگ‌ترین اشتراک‌شان در این زمینه گفتاردرمانی بوده است.

گردشگری صرفاً به تبادل فرهنگی خلاصه نمی‌شود و تنها ظرفیت متقابل آن هم به ترکیه محدود نمی‌شود. اندکی درنگ در حوزه توریسم در ایران دو مسئله اساسی را بر جسته می‌کند. اولی نگاه غلطی است که سالان‌ها به این حوزه وجود داشته و دیگری اقتضانات، پیش‌نیازها و تعریف دقیق این «صنعت» است.

این عرصه پیش از هر چیز یک صنعت اقتصادی است که تابع قواعد تجارت جهانی، تسهیل صدور ویزا، امنیت سفر، زیرساخت‌های حمل‌ونقل و رضایت گردشگران است. وقتی نگاه بسته و منفعلانه به چنین صنعت درآمزا و پر ظرفیتی وجود داشته باشد، خشت اول کج نهاده شده و نمی‌توان با راهکارها و شوگردهای دیگر پای گردشگر را به کشور باز کرد. صدها فستیوال و رویداد فرهنگی هم اگر برگزار شوند، به‌علت نگاه جزم‌اندیشانه‌ای که نسبت به کل ماجرا وجود دارد، انتظار وقوع هر معجزی را از بین می‌برد. فرمول هم خیلی روشن است: ریسک بالا، تقاضا را پایین می‌آورد. مسئله بعدی، انواع لطایف‌الجبلی است که مدیران مسئولان می‌کشند در غیاب نگاه اصلی و اساسی کذا، با گردوغبار حوزه گردشگری مقابله کنند. «دیپلماسی فرهنگی»، «سال فرهنگی» و از این قبیل زمانی مؤثر خواهند بود که در کشور، مقصد، قواعد و سازوکارهای حمایتی از توریسم و مهمان‌پذیری عملیاتی فراهم باشد؛ صدور سریع ویزا، تضمین امنیت، شبکبه گسترده دفاتر اطلاع‌رسانی و آژانس‌های مسافرتی. سرمایه‌گذاری خارجی و تامین امنیت مالی هم اهمیت بسیار دارد. تا زمانی که سرمایه‌گذار خارجی بابت حضور در ایران گرفتار انواع نگرانی‌های مالی، سرمایه‌ای و ... باشد، چنین تمهیداتی که بیشتر به لفاظی تنه می‌زند

و رغبت و تمایل ویژه‌ای برای توریست باقی نمی‌گذارد. ظرفیت‌های ایران در میراث فرهنگی، معماری، طبیعت و صنایع دستی بی‌نظیر است؛ پروژ پیران، جامعه‌شناس همیشه در کلاس‌هایش «آسمان شب» ایران را مثال می‌زد که در عرصه گردشگری به تنهایی می‌تواند بسا فروش نفت قرابت کند. ابنیه تاریخی، طبیعت چهار فصل، هنر ایرانی و ... ناگفته پیداست که چه ظرفیت ستری دارند. این ظرفیت‌ها اما در سایه ابهام‌های قانونی و مقررات ناهمگون گم می‌شوند. گردشگری کاملاً متأثر از تصویری است که از مقصد ارائه می‌شود. پیش از ابداع هر راهکار تازه‌ای باید علاچی برای بیماری‌های گذشته پیدا کرد. «ایران هراسی» یکی از بزرگ‌ترین مشکلات کنونی عرصه گردشگری ایران است که تا راهی برای آن بین

بردن آن یافت نشود، راه‌حل‌های بعدی بی‌معنا و بی‌اثر خواهد بود. موضوعی که حتی عزت‌الله ضرغامی وزیر میراث فرهنگی دولت قبل هم آن را تائید و به بازداشت گردشگران خارجی، پلمب سلیقه‌ای هتل‌ها و فیلترینگ انتقاد می‌کرد. اگر تصویر مقصد در نظر توریست کوچک‌ترین تضادی با آنچه در واقعیت هست پیدا کند، مقصد دیگر به‌سرعت جایگزین خواهد شد. وزیر میراث فرهنگی به‌عنوان عالی‌ترین مقام متولی گردشگری در کشور، پیش و بیش از هر چیز دیگری باید راه‌حلی برای این مشکلات پیدا کند. تغییر نگاه کلان به گردشگری عجالتا مهم‌ترین صورت مسئله است؛ اگر تحولی در سازوکارهای صدور ویزا، بیمه و دیگر مسائلی که به آنها اشاره شد رخ دهد نه تنها اعداد گردشگران ورودی از ترکیه و کشورهای عضو اکو و قطعاً سایر کشورهای دیگر به تعادل می‌رسد، بلکه در آمد حاصل از صنعت گردشگری حتی قابلیت رقابت با فروش نفت را پیدا خواهد کرد. بدون ایجاد تغییرات اساسی در سیاست‌های امنیتی و حقوقی، همه خبرسازی‌ها درباره فستیوال‌ها و رویدادهای مشترک به متنی بی‌اثر تبدیل خواهد شد. دیپلماسی فعال گردشگری زمانی محقق می‌شود که این اجماع در کشور به‌وجود بیاید که «تقویت گردشگری، تقویت اقتصاد و انسجام فرهنگی است» و چنین باوری به‌شکل عملی پذیرفته شود، و گر نه به اندازه کافی در این باره صحبت شده است.

